

ترویسم

نویسنده: محسن رامرد





ت رو د ی س م

نویسنده:

- محسن رادمرد -

شابک	: 978-600-364-930-9
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۳۱۵۹۲۵
عنوان و نام پدیدآور	: تروریسم آنوبینده محسن رادمرد.
مشخصات نشر	: گرگان: انتشارات نوروزی، ۱۳۹۵
مشخصات ظاهري	: ۵۰ ص.
موضوع	: تروریسم
ردہ بندي دیوبھی	: ۳۲۵/۳۶۳
ردہ بندي کنگره	: HV6431/.۲۴۱۳۹۵
سرشناسه	: رادمرد، محسن، - ۱۳۷۰
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا

تروریسم

مؤلف: محسن رادمرد

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۵

مشخصات ظاهري: ۵۰ ص

قطع: وزیری

شمارگان: ۳۰۰

شماره شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۶۴-۹۳۰-۹

چاپ و نشر: نوروزی-۰۱۷۳۲۲۴۲۲۵۸

قیمت: ۶۰۰۰ تومان



نشانی: گلستان، گرگان، خیابان شهید بهشتی، بازار رضا(ع). ۰۱۷-۳۲۲۴۲۲۵۸

دورنگار: ۰۱۷-۳۲۲۰۰۴۷ آدرس الکترونیکی: Entesharate.noruzi@gmail.com

سایت انتشارات: www.Entesharate-noruzi.com

مقدمه:

بی‌شک بدون واژه‌های ترور و تروریسم و اخبار حوادث روزمره‌ی مرتبط با آن کتاب‌های سیاسی و تاریخی بی‌محتوی و مشتی جملات فاقد ربط و ضبط می‌نمایند و بخش اعظم حجم خود را از دست می‌دهند. واژه‌ی ترسناک تروریسم که امروز بیش از همیشه شبح آن آینده‌ی مشترک جوامع را تهدید می‌کند شاید به واقع همگام با حقوق بشر و دموکراسی از مبهم‌ترین واژه‌های عصر حاضر باشد. به قدری مبهم که بعد از قریب به ۳ قرن از نخستین استفاده‌ی سیاسی از این واژه امروز نمی‌توان تعریف قاطع، مشخص و مورد توافقی را درباره‌ی آن در سازمان ملل به تصویب رساند. در حالیکه همواره تروریسم دولت‌های مختلف شرق و غرب ملت‌های مستضعف را در کام می‌کشد و در حالی که قاتلانی که صبرا و شتیلا و ابوغریب و بگرام و امثال آن را رقم زدند بدون ذره‌ای شرم و با افتخار به راه خود ادامه می‌دهند و در حالیکه کسانی که در یک جنایت آشکار یک هواپیمای مسافربری را با قریب به ۳۰۰ سرنشین غیرنظمی از بین می‌برند نشان افتخار می‌گیرند در همین حال کسانی که هیچ راهی جز به دست گرفتن سلاح برای تأمین نخستین حقوق انسانی خود ندارند به بهانه‌ی اینکه برای بیرون راندن متجاوز و اشغالگر از سرزمین مادری خود به عنوان آخرین و تنها راه دست به دامان خشونت شده‌اند تروریست نام گرفته‌اند ناگزیر خواهیم بود که بگوییم اگر نشد تعریف واقعی ترور و تروریسم را به جهانیان ارائه کرد و جلوی جنایات مستکبران را گرفت پس باید به مبارزاتمان برای دفاع از استدلالاتمان افتخار کنیم.

همواره در تمام جوامع تروریسم وجود داشته است و تفاوت اشکال و مبادی اجرایی آن از روش‌ها و ابزارها سرچشمه گرفته، اما تعریف نظری مشخص از این پدیده دشوار است. با گسترش فعالیت‌های سلطه جویانه و ظالمانه‌ی ابرقدرت‌ها از نیمه‌ی دوم قرن بیست مقاومت‌های مردمی در شکل خشن گسترش یافتند و تا حدودی با تروریسم گره خوردند. تروریسم با بسیاری از فعالیت‌های مجرمانه نظیر قاچاق انسان، سلاح، مواد مخدر و پول‌شویی پیوند خورده است. امروزه تروریسم برای

اهداف شوم خود راه‌های جدیدی یافته است از جمله تروریسم هسته‌ای؛ بیوتروریسم؛ تروریسم سایبری و... که هر یک موجودیت افراد، جوامع و ملت‌ها را تهدید می‌کند. این خرد نوشتار پاسخی است به سؤال چیستی، چراًی و چگونگی تروریسم.

فهرست

صفحه	عنوان
۱	تُروریسم چیست؟
۱۸	تُروریسم و جرائم سازمان یافته
۲۰	علل تُروریسم
۲۶	تُروریسم دولتی
۳۰	انواع تُروریسم
۳۴	سوالات اساسی در مقابله با تُروریسم
۳۵	منابع تامین تُروریسم
۳۶	منابع مالی
۳۶	نیروی انسانی
۳۷	منابع دانش و آموزش
۴۰	تُروریسم نوین
۴۰	تُروریسم هسته‌ای
۴۱	بیو تُروریسم
۴۵	تُروریسم سایبری
۴۷	رسانه و تُروریسم
۴۹	آینده‌ی تُروریسم

تزویریسم چیست؟

به قاعده‌ی کلی ایسم‌ها تزویریسم نیز عبارت است از مجموعه‌ی شیوه‌های ترور محور در امور و جنبه‌های مختلف و در تعاریف مختلفی که درباره تزویریسم و واژه‌های هم‌ریشه‌ی آن آمده وجه مشترک میان آنها توسل به ترور یا جانبداری از ترور است پس نخستین چیزی که باید به بازشناسی یا حتی بازتعریف آن پردازیم خود واژه و مفهوم ترور است. بعلاوه اگر نخواهیم کورکورانه از زبان رایج پیروی کنیم؛ زبانی که اغلب پیرو سخنوری‌های وسائل ارتباط جمعی و یا نمایشات کلامی قدرت سیاسی مسلط است، می‌بایستی وقتی عبارت تزویریسم و به ویژه تزویریسم جهانی را به کار می‌بریم، محتاط باشیم.

اکنون ابتدا، باید دید ترور چیست؟ و چه چیزی ترور را از ترس، نگرانی و هراس متمایز می‌کند؟ واژه‌ی ترور نیز همانند دیگر واژگان وارداتی معانی متعددی دارد که بعلت گستره‌ی زمانی و مکانی استفاده‌ی از آن از لحاظ مفهومی و بارگفتاری و روانی تفاوت‌هایی در آنها دیده می‌شود.

ترور واژه‌ایست که اصالت معنا را در آن از ریشه‌ی وحشت دانسته‌اند و کلمه‌ی ارهاب که معادل عربی ترور است، به معنی ترس و ترساندن است و مصدر آن رهب است. لغت نامه لوئیس معلوم در تعریف ارهابی می‌آورد من يلجا إلى الإرهاب لإقامة سلطته –کسی که از وحشت آفرینی برای برقراری سلطه اش سود می‌جوید؛ در ضمن آن آورده است – الحكم الإرهابي: إرهاب و العنف تعمد إليه حکومات أو جماعات.

در زبان انگلیسی نیز اصل کلمه‌ی Terreur به فعل لاتینی Ters برمی‌گردد، و به معنی ترساندن یا ترس و وحشت است که بیشتر مشتقات آن حول همین معانی مشخص می‌چرخند.

کلمه‌ی تورویسم برای اولین بار در زبان فرانسه در حوزه‌ی سیاسی به کار رفته است و ظاهر امر این است که این شکل استفاده‌ی از مشتقات واژه‌ی ترور به سال ۱۷۹۵ میلادی بازمی‌گردد که در لغت‌نامه‌ی مرحوم دهخدا در بیانشان آن می‌گوید تورویسم به معنای اصول حکومت وحشت و فشار و در شرح اصول حکومتی که در فرانسه‌ی حد فاصل سال‌های ۱۷۹۳ و ۱۷۹۴ حاکم بود آمده است.^۱

با توجه به معانی فوق، در تعریف لفظی کلمه‌ی تورویسم، به طور خلاصه می‌توان گفت که تورویسم به معنی شیوه‌ای است که در آن از ترس، ترساندن و وحشت استفاده می‌شود. اما تعریف نظری قاطع و مشخص از این پدیده قدری دشوار است.^۲ فرهنگ لغت و بستر در تعریف تورویسم می‌آورد «استفاده‌ی نظاممند و ساختار یافته از اعمال وحشت‌آفرین -اغلب در شکل خشونت- و خاصه تهدید».^۳

در کتاب فرهنگ علوم سیاسی^۴ نیز آمده است:

«در زبان فارسی این کلمه به اصلی اطلاق می‌شود که در آن از قتل‌های سیاسی و ترور دفاع شود. در دیگر فرهنگ‌های فارسی نیز تورویسم به معنی لزوم آدم‌کشی و تهدید و خوف و وحشت در میان مردم، برای نیل به هدف‌های سیاسی؛ و یا برانداختن حکومت و در دست گرفتن زمام امور دولت، یا تفویض آن به دسته‌ی دیگری است که مورد نظر می‌باشد. این عقیده معمولاً از ابزار اصلی فاشیسم، ماکیاولیسم و مکاتب مشابه می‌باشد».

و در لغت‌نامه روابط بین‌الملل ذیل کلمه Terrorism آمده است: ترور و تورویسم به فعالیت‌های بازیگران دولتی و غیر دولتی اطلاق می‌شود که شیوه و تمہیدات خشن را در اعمال خود برای رسیدن به اهداف سیاسی به کار می‌برند.

^۱ در این دوره اعدام‌های وسیع حکومت موجبات وحشت عمومی را فراهم آورده بود.

^۲ تورویسم؛ دشواری‌های دست‌یابی به تعریف عملی: ع- مروی

^۳ پایگاه اینترنتی موسسه‌ی ویست

^۴ نوشته‌ی علی آقا بخشی

سازمان‌های دولتی در کشورهای مختلف تعریف‌های متفاوتی از تربویسم ارائه کرده‌اند که اغلب رابطه‌ی تنگاتنگی با منافعشان دارد اما جامعه‌ی جهانی به دلایلی که آمده در ارائه‌ی فرمولی در تعریف تربویسم ناکارآمد عمل کرده است.

آنگوس مارتین در کنفرانسی در سال ۲۰۰۲ یادآور می‌شود که تقالی جامعه‌ی جهانی هرگز در ارائه‌ی یک تعریف مشترک پذیرفته شده از تربویسم موفق نبوده است، چه اینکه در دهه‌های ۸۰ و ۹۰ میلادی سازمان ملل متحد بر آن بود تا تعریفی از واژه‌ای ارائه کند که اعضای مختلف سازمان ملل درباره‌ی به‌کارگیری خشونت در محل تنش‌های آزادیخواهانه‌ی ملل و تلاش‌های جدایی طلبان و خودمختاری خواهان در این تعریف اختلاف‌نظرهای جدی داشتند.^۱

سازمان پژوهشی EPI در تعریف تربویسم می‌آورد «استفاده از زور علیه افراد یا دارایی‌هایشان» که طبق این تعریف نیز به‌سادگی می‌توان پلیس، آتش‌نشانی، شهرداری‌ها و سایر نهادهای دولتی را نیز تربویست محسوب کرد.^۲

حال با افزودن جمله‌ی برای نیل به اهداف سیاسی این دایره‌ی را محدود می‌کنیم؛ حال اگر این اهداف مشروع باشند و از راه‌های دیگر قابل‌پیگیری نباشند دایره‌ی تربویسم می‌تواند افرادی را در بر گیرد که شایسته‌ی بار معنایی این واژه نیستند پس با جمله‌ی اهداف نامشروع یا اهداف مشروعی که راه‌های عقلایی و مسالمت‌آمیز برای نیل به آن‌ها وجود دارد باز هم آن را محدودتر می‌کنیم.

اما اغلب چیزی که تربویسم را برای جوامع انسانی منزجر کننده می‌سازد این است که عمدتاً دامنه‌ی پیامدهای منفی تربویسم از محدوده‌ی افراد طرف حساب در مناقشه فراتر می‌رود و اکثر کسانی که قربانی آن می‌شوند نه ارتباطی با مسئله‌ی مناقشه داشته‌اند و نه کاری در راستای رفع مناقشه از دستشان بر می‌آمده پس این متمم نیز باید به تعریف اضافه شود.

^۱ وبلاگ مشترک جهانی – ویکی‌پدیا – مقاله TERRORISM

^۲ گزارش سالانه‌ی EPI ۲۰۰۹ میلادی

آنچه از تعاریف حاضر برای واژه‌های ترور، تورویسم و واژه‌های مشابه داریم تعاریف بسیار گنگ، مبهم و محو و بدون مرز هستند، چنانکه ارتش‌های در حال نبرد در میدان دفاع از میهن را می‌توانند در برگیرند که طبعاً با بار حقوقی و اخلاقی که به واژه‌های این رسته بخشیده‌ایم این امر اشتباه بزرگی محسوب خواهد شد.

تعریف‌های عام تورویست اغلب بر اعمال خشونت باری معطوف است که با هدف وحشت‌آفرینی از سوی آن‌ها صورت می‌پذیرد، این اعمال که می‌تواند از اعتقادات مذهبی، سیاسی و غیر آن نشست گرفته باشد اغلب با تهدید امنیت افراد غیر مرتبط با مسئله‌ی مناقشه همراه است.

در حقیقت می‌توان گفت از آنجا که واژه‌ی تورویسم بار سیاسی و احساسی عجیبی بخود گرفته کار حقوق دانان و حتی فیلسوفان در ارائه‌ی یک تعریف عاقلانه از تورویسم بسیار دشوار شده و غیر ممکن می‌نماید.

مطالعات نشان می‌دهد که بیش از یک صد تعریف در مورد واژه‌ی تورویسم ارائه شده است. مفهوم تورویسم ممکن است از این جهت که اغلب به وسیله‌ی منابع دولتی و متناسب با منافع دولت تعریف می‌شود مورد مناقشه‌ی بسیار باشد. گهگاه نیز دولت‌ها از مخالفینشان با این برچسب یاد می‌کنند تا دیگران را در تقابل با مخالفین با خود همراه سازند و نیز بتوانند از قوه‌ی قهریه‌ی علیه مخالفینشان بهره‌گیرند که نظیر این را در مسئله‌ی داودیان آمریکا مشاهده کرده‌ایم.

نخستین کنوانسیون بین المللی درباره‌ی تورویسم در ۱۹۳۷ با عنوان «کنوانسیون پیشگیری و مجازات تورویسم» برگزار شد و در ماده‌ی نخست بیانیه‌ی آن تورویسم به این شکل تعریف شد که «هر گونه عمل جنایی که به طور مستقیم بر ضد یکی از دولت‌ها صورت گیرد و هدف آن ایجاد حالت وحشت و نگرانی در میان اشخاص یا عموم مردم باشد». ^۱

^۱ مقایسه‌ی تورویسم و جرم سازمان‌بافت: سعید حکیمی‌ها

اکثر تعریف هایی که از تроверیسم ارائه شده بر چهار محور استوار بوده:

- روش - مشتمل بر بکار گیری زور و خشونت که اغلب یه غیر قانونی بودن آن اشاره شده
 - مجری - یک گروه یا دولت که در این ضمن تроверیسمی که ممکن است توسط افراد صورت پذیرد نادیده گرفته شده
 - هدف - معمولاً دولت ها و مردم عادی به عنوان اهداف تроверیسم مطرح می شوند
 - مقصود - اغلب به شکل رسیدن به منافع سیاسی مطرح می شود
- امروزه برعی از تعریف های تроверیسم فعالیت های خشونت بار و جنگی غیر قانونی را نیز شامل شده اند.

در واقع طی دهه های اخیر بخش عمده ای از مطالب سیاسی رسانه های عمومی جهان به نحوی با «پدیده ی رو به گسترش تроверیسم در ارتباط بوده است».

دستگاه دیپلماسی ایالات متحده در ۱۹۸۴ بیان می دارد که «استفاده ی غیر قانونی از زور و یا خشونت بوسیله ی گروهی انقلابی علیه افراد یا دارایی آنها به منظور ارتعاب و اجبار جوامع و دول با دلایل سیاسی یا ایدئولوژیکی تроверیسم است».

و اف بی آی در ۱۹۸۳ بیان می دارد که «تроверیسم عبارت است از استفاده ی غیر قانونی علیه افراد یا دارایی های آنها بمنظور ارتعاب و اجبار دولت ها یا شهروندان غیر نظامی و یا بخشی از آن ها به منظور دستیابی به اهداف سیاسی یا اجتماعی».

این اختلاف نظرها سبب شد که جامعه ی ملل هرگز تعریف واضحی از تроверیسم نداشته باشد تا بتواند بر مبنای آن اجماع اعضای خود را علیه خشونت غیر منطقی تроверیست ها به دست آورد.

در جمع بندی تعریف های لفظی فوق الذکر، و ملاحظاتی که در این زمینه مطرح شد، تроверیسم را می توان:

«هر نوع استفاده یا تهدید به استفاده از خشونت غیرقانونی، به منظور ایجاد جوّ رعب و وحشت، برای تحت تأثیر قرار دادن یا تسلط بر فرد یا مجموعه ای از افراد و یا کل

جامعه. این کار برای دستیابی به هدف مشخصی که شخص اعمال کننده خشونت در نظر دارد انجام می‌گیرد.»

محمود جلالی استادیار دانشگاه اصفهان در مقاله‌ای با عنوان «تورویسم از دیدگاه حقوق بین الملل با تاکید بر حادثه‌ی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱» آورده است که «اعمال و روش‌های تورویستی نقض آشکار اصول و مقاصد سازمان ملل متعدد تلقی می‌شود و تهدیدی جدی علیه صلح و امنیت بین المللی است. با این حال هنوز در جامعه‌ی جهانی در مورد تعریف تورویسم اجماع وجود ندارد.»^۲

وی می‌افزاید «بدون وجود تعریفی جامع و جهانی از این جرم نمی‌توان به یک نظام دائمی و منسجم جلوگیری از تورویسم دست یافت». ^۳

ظاهر انگارنده تحت تاثیر فرهنگ سیاسی وقت - دولت هشتم به ریاست جمهوری حجت الاسلام و المسلمین سید محمد خاتمی - تنها راه حل مشکلات را ذوب شدن در جامعه‌ی جهانی می‌بیند و نگاهی به مشکلات، توانمندیها و همکاریهای منطقه‌ای ندارد. این امر که بنشینیم تا جامعه‌ی جهانی موفق شود با جلب رضایت ابر قدرت‌ها تعریفی از تورویسم ارائه دهد که عملابنا به خواسته‌ی ابرقدرت‌ها یا مقدور نیست یا در واقع تعریفی جعلی و بلا استفاده است نه کمکی به ما می‌کند و نه قربانیان تورویسم را به حال و روز بهتری رهنمون می‌سازد.

وی اضافه می‌کند «این عدم اجماع بر تعریف تورویسم عمدتاً از آنجا ناشی می‌شود که ابر قدرت‌ها سعی می‌کنند تعریفی ارائه دهند که کسانی را که با آرا و عملشان مخالفند و در برابر زیاده خواهی‌ها و سلطه طلبی‌ها و جنایات و سرقت‌های

^۱ بر اساس اسناد و استدلال‌های غیرقابل انکار بسیار بازدهم سپتمبر نه از نوع حوادث تورویستی که از نوع حریبه‌های دولت آمریکا موسوم به پرچم وارونه(علامت اشتباہی) است. در اینکه جامعه اطلاعاتی آمریکا عامل اصلی حادثه بوده هیچ شکی نیست لیکن به جهت تصوری که به واسطه‌ی رسانه‌ها در اذهان به وجود آمده و به واسطه‌ی مدل‌سازی یک حادثه‌ی تورویستی در این نوشته بعنوان یک حادثه‌ی تورویستی یاد شده.

^۲ جلالی، محمود؛ تورویسم از دیدگاه حقوق بین الملل با تاکید بر حادثه‌ی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱
^۳ همان

آنها قد علم کرد بتوانند با زدن برچسب تроверیست بر پیشانی او علاوه بر مشروع جلوه دادن جنایات و خباثت های خود علیه او؛ از امکانات جامعه جهانی و ملل دیگر به رایگان در جهت از بین بردن او بهره بگیرند. نمونه‌ی این رفتار را علیه ایران، حزب الله و سوریه شاهد بوده ایم و نیز اقدامات مشابهی که علیه کشورهای آفریقایی و آمریکای لاتین صورت گرفته است.

نویسنده یاد آور می شود که کنسرسیوم های بسیاری در مبارزه با تроверیسم به تصویب رسیده و از آن جمله «مبارزه با تامین مالی تроверیسم-۱۹۹۱»، «قطعنامه‌ی ۱۳۷۳» و... اشاره می کند اما لزوماً مشخص است که این قطعنامه‌ها بر عمل‌کسانی را که از حقوق و متفاع خویش دفاع می کنند را نیز تحدید می کند که حزب الله لبنان و سازمان های مبارز فلسطینی از آن جمله اند.^۱

اما در شریعت مقدس اسلام نزدیک ترین مفهوم به ترور و تроверیسم موضوع «محاربه» است که به شکل «استفاده یا تهدید به استفاده از سلاح به نحوی که عموم جامعه هدف فرد محسوب شوند و موجبات وحشت عمومی را فراهم آورد» در این تعریف اگر استفاده از سلاح بنحوی باشد که هدف استفاده کننده‌ی سلاح فرد یا افراد خاصی باشد از تعریف محاربه خارج می شود.

حال اگر بر مبنای تعریف محاربه تроверیسم را از نو تعریف کنیم و تعریف محاربه را بر آن سوار کنیم می توانیم بگوییم «تроверیسم عبارت است از انجام هرگونه حرکت مسلحانه [اعم از سلاح سرد یا گرم] به هر علت به نحوی که موجب گردد عموم جامعه، جان، مال، ناموس، یا فعالیت های اجتماعی خود را بدون آنکه در موضوع مناقشه نقش مستقیم داشته باشند در معرض خطر بیینند.»

در این تعریف تاکید بر مسلحانه بودن حرکت از آن سو است که حکومت ها نتوانند با برچسب تроверیسم مخالفین و معتبرضین را سرکوب کنند. ذکر عبارت عموم

^۱ جلالی محمود، تроверیسم از دیدگاه حقوق بین‌الملل با تأکید بر حادثه‌ی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱

جامعه بدين منظور است که حرکات ترووریستی اغلب به نحوی است که سبب می شود افرادی که در حوزه‌ی بیم تکرار آن هستند نه می توانند با علتی خود را مصون از عواقب تکرار آن بدانند و نه می توانند با علتی خود را هدف قطعی این تهدید ها قلمداد کنند. تا این نقطه این تعریف تقریبا تمام اشکال ترووریسم را از سوی افراد، گروهها، نهاد ها و دول در بر می گیرد اما در ذکر عبارت فعالیت های اجتماعی تهدید ترووریستها علیه نهاد هایی است که مشروعیت خود را از تایید عمومی جامعه و اصطلاحا مردم سالاری دریافت کرده اند، این بستر سبب می شود تا قتل کسانی که با آرای مستقیم یا غیر مستقیم اکثریت جامعه قدرت سیاسی کسب کرده اند از این منظر که تهدید مشارکت عمومی افراد جامعه و به نحوی تهدید دموکراسی است را بتوان ضمن تعریف محاربه در محدوده‌ی ترووریسم محصور نمود.

مالکوم دابلیو نانس صاحب نظر در حیطه‌ی ترووریسم همچنین یاد آور می شود که ترووریست ها:^۱

- انسانهای زنده هستند نه ماشین؛ ربات؛ حیوان دست آموز یا هر چیز دیگر؛ مردمی که توانسته اند یک دشمن برای خود تعریف کنند و بقدرتی از او بیزار باشند که جان و مال خود را برای آسیب رساندن باو صرف کنند.
- ترووریست ها اغلب توسط بخشی از فرهنگ، ملت یا گروه (طائفه؛ قبیله و...) خود حمایت شده و مورد احترام هستند؛ گرچه آنها واقعا شیطان صفت، حیوان، خشن و زشت خو و... باشند، اما این احترام است که آنها را قادر بعمل می سازد.
- در عملکردشان منطقی و معقولند؛ به ندرت ترووریست ها را می توان نادان، دیوانه یا احمق خواند، در عمل آنها باهوش، آموزش دیده و منطقی هستند و اندیشه هایشان را شفاف نگاه می دارند.

^۱ Terrorists Recognition Hand Book:66

- تحرک پذیری شگفت انگیز: تроверیست‌ها اغلب از انسانها برای تحرک پذیر کردن اقدامات خطرناک خود استفاده می‌کنند و این یعنی اینکه سرعت حرکت انسان‌ها می‌تواند با سرعت تحرک عمل تроверیست‌ها برابر قلمداد شود.
- کاملاً در عمل خود توجیه شده اند: لزوم بروز هر حرکت از سوی تроверیست‌ها جهت توجیه فکری آن مستفاد است.
- اغلب از سازماندهی منسجم و یکپارچه‌ای بهره می‌برند.
- موجودیت خود را با حرکات وحشت آفرین تصادفی به جامعه و جهان اعلام می‌کنند.
- شاید در حملات خود موفق نباشند اما بدست آوردن توجه شما پیروزی آنها محسوب می‌شود.
- با دانستن گزینه‌های عملیاتی تроверیست‌ها می‌توان بشکست آنها امیدوار بود. فعالیت‌های تроверیستی می‌توانند توسط هر کسی صورت بگیرند، گروه‌های سیاسی راست، چپ، ملی گرا، مذهبیون افراطی، انقلابیون، آنارشیست‌ها، اغتشاش گران و حتی دولتها. در تمام این اشکال می‌توان بکارگیری خشونت علیه افراد بی ارتباط با موضوع مناقشه در راستای نیل به توجه عمومی را مشاهده کرد. نماد گرایی گروههای تроверیستی را نیز می‌توان در همین راستا ارزیابی کرد.

با گسترش فعالیت‌های سلطه جویانه و ظالمانه‌ی ابر قدرت‌ها از نیمه‌ی دوم قرن بیستم به شکلی که امکان تظلم خواهی قانونی ملل مورد ستم را از ایشان گرفت، مقاومت‌های مردمی در شکل خشن گسترش روز افزون یافتد و تا حدودی با تроверیسم گره خوردند، به همین جهت کورت والدهایم دیر کل وقت سازمان ملل ماموریت یافت تا مسئله‌ی تроверیسم را در سطح بین‌المللی مطرح و از امکانات جامعه جهانی در جهت رفع مقاومت علیه مدرنیسم سیاه غرب بهره گیرد.

در ۱۹۷۲ مجمع عمومی سازمان ملل با عضویت ۳۵ کشور کمیته‌ی ویژه‌ای برای مقابله با تزویریسم تشکیل داد اما به دلیل تقابل منافع غربی‌ها با تعاریف عام مورد قبول اغلب کشور‌ها تعريف مشخصی از تزویریسم ارائه نشد.

ماده‌ی ۴۲۱ قانون جزایی فرانسه تزویریسم را «اقدام فرد یا افرادی با هدف اخلال شدید در نظام عمومی از طریق ارعاب یا ترور تعريف می‌کند».

در کشور ما اما الزام قطعنامه‌ی ۱۳۷۳ شورای امنیت سبب شد تا در ۱۵ آذر ماه ۱۳۸۲ «لایحه‌ی مبارزه با تزویریسم» جهت تصویب به مجلس شورای اسلامی برود.

در ماده‌ی نخست این لایحه «ارتكاب یا تهدید به ارتکاب جرایم و اقدامات خشونت آمیز از طریق به وحشت افکنند مردم جهت تاثیرگذاری بر خط مشی، تصمیمات و اقدامات دولت جمهوری اسلامی، سایر کشور‌ها و سازمان‌های بین‌الدولی، جرم تزویریستی محسوب می‌شود».

بروس هافمن نویسنده‌ی کتاب اندرونی تزویریسم بر این عقیده بود که اگرچه نمی‌توان تعريفی جامع و مانع از تزویریسم ارائه کرد اما می‌توان ویژگی‌هایی کلیدی تعريف کرد که با تامین آنها در فعالیت‌های فرد، گروه یا دولتی آن را تزویریستی محسوب نمود. با تمايز قائل شدن بین تزویریسم و سایر اشکال و انواع جرائم در می‌یابیم که تزویریسم:

- ناگزیر دارای اهداف یا حرکات سیاسی است. – در این نقطه باید از هافمن سوال نمود که اگر افرادی برای سرفت از یک بانک بزرگ مثلاً بانک مرکزی یک کشور اقدام به اعمالی نظیر انفجار در کوچه و خیابان یا گلوله باران افراد بی‌گناه کنند، شکلی از تزویریسم نیست. آیا اگر سلفی‌ها افرادی را به بهانه‌ی اینکه شیعه هستند و شیعیان کافر هستند در پاکستان و عراق و مصر و قفقاز و غیره در مساجد و حسنه‌ها و مراکز عمومی و راه‌ها بمب می‌گذارند، عملیات انتحاری انجام می‌دهند و مردم بی‌دفاع را به گلوله می‌بندند شکلی از تزویریسم نیست؟ بنابراین از نظر ما سیاسی بودن صرف اعمال تزویریستی مردود است. البته تزویریست‌ها اغلب سعی می‌کنند با بهانه‌های

سیاسی اعمال جنایتکارانه‌ی خود را پنهان کنند و موجه جلوه دهند، اما در ریشه یابی تزویریسم این ساده انگاری است که جنون و قدرت طلبی مشتی فربیکار را با بیان سیاسی بودن توجیه پذیر نمود.

- خشونت یا به همان مرحله از اهمیت تهدید به خشونت: بله در این مرحله تا حدودی با آقای هافمن موافقیم اما باید مشخص شود که صرف خشونت دارای اهداف سیاسی یا مذهبی نمی‌تواند تزویریسم باشد، مثال آنکه فرانسه کشوری اسلامی مانند الجزایر را اشغال می‌کند، افراد را می‌کشد و به زنان تجاوز می‌کند؛ عقاید مردم ساکن را نادیده گرفته و در جهت مبارزه‌ی با آن گام بر می‌دارد، در این مسیر زنان و مردان الجزایری تحت تاثیر عقاید، کرامت طلبی و سلطه و ظلم ستیزی خود بمب به خود می‌بندد و خود را در بین افرادی که نباید در الجزایر باشند چه نظامی و چه غیر نظامی منفجر می‌کنند؛ آیا این تزویریسم است و باید با آن مقابله کرد. وقتی از دولت فرانسه پرسیم بی‌درنگ پاسخ مثبت می‌شنویم اما آیا افراد بی‌طرف و مردم الجزایر نیز همین نظر را داشته‌اند؟ در فلسطین چطور؟ در مناقشه‌ی صهیونیست‌ها و فلسطینیان چطور؟ در فلسطین در هر دو طرف افراد غیر نظامی کشته می‌شوند. هدف هم تا حدود زیادی برای هر دو طرف سیاسی قلمداد می‌شود؛ آیا در این نقطه تزویریسم در هر دو سو جریان دارد؟ آیا افرادی که خود را شهروند رژیم اسرائیل می‌دانند اجازه دارند در جاییکه امروز هستند باشند؟

- طراحی شده است تا تاثیری به مراتب فراتر از فرد یا هدف مورد تعدی داشته باشد: در این مورد نیز کاملاً نظر آقای هافمن را مردود می‌دانیم چه اینکه دشمنان ایران فردی مانند دکتر مطهری را برای طرحهای خود خطناک می‌بینند و او را از بین می‌برند تا دیگر نباشد؛ با این شرط این اقدام هم از دایره‌ی تزویریسم خارج می‌شود.

- به وسیله‌ی یک سازمان با یک سلسله‌ی مراتب فرماندهی یا ساختار سلولی توطئه گر شکل گرفته باشد: در این زمینه هم با آقای هافمن مخالفیم چه اینکه در این صورت اگر یک فرد به هر نحو و با هر علتی بدون آنکه از کسی دستور گرفته باشد بمب به

خود بیند یا با خودروی بمبگذاری شده فرد یا افرادی را از بین ببرد در این صورت از دایرهٔ تزویریسم خارج است.

- به وسیلهٔ گروهی از داخل یک ملت یا یک موجودیت غیر دولتی صورت پذیرد؛ این نیز دیگر مورد اشتباه آفای هافمن است؛ با این تعریف عملیات‌های تزویریستی سازمان سیا در قتل افراد و جنایت‌های متعدد دول غربی علیه بشریت همه و همه غیر تزویریستی و کاملاً موجه خواهند بود. باید یک مثال ساده بزنیم؛ اگر یک مجموعه از افراد فارغ از خط مشی‌ها و اهداف یک رئیس جمهور در آفریقا را به قتل برسانند به احتمال زیاد وزارت امور خارجهٔ ایالات متحده یک پیام تسلیت ارسال می‌کند و قاتلین را تزویریست معرفی می‌کند. حال همان رئیس جمهور منافع ایالات متحده را به خطر می‌اندازد مثلاً از شوروی موشک‌های دوربرد دریافت می‌کند یا به اقدام جدی علیه مواد مخدر می‌پردازد؛ سازمان سیا به سادگی یک طرح ترور می‌کشد و فرمان عملیات میدهد یا با مواد سمی یا با یک عملیات پیچیده نظیر آنچه که برای بن لادن به وقوع پیوست و در هر صورت رئیس جمهور مذکور کشته شده است. آیا کسی می‌تواند از ایالات متحده سوال کند آیا عاملان این ترور تزویریست هستند؛ این مغالطه ایست که غربی‌ها با طرح آن همواره دشمنان خود را تزویریست می‌خوانند تا جنایات خود را علیه آنها موجه جلوه دهند بی‌آنکه که دلیل دشمنی اهمیتی داشته باشد. یک مثال دیگر فرض بگیریم تعدادی از شهروندان آمریکایی در یک ساختمان باشند؛ القاعده حمله کند تمام این افراد را از بین ببرد این می‌شود یک نمونهٔ مسلم از تزویریسم؛ حال دولت ایالات متحده همین کار را با شهروندان خود می‌کند؛ این بار داودی‌ها می‌شوند تزویریست و دولت آمریکا می‌شود منجی بشریت. جای بسی تاسف است که این کشورها مدیریت جهان آشفتهٔ امروز را بزور به کف گرفته‌اند.

• عبدالناصر حریز در این باره می‌گوید:

«این خشونت از ماهیت سمبولیک برخوردار است. به عبارت دیگر، عمل خشونت‌بار و یا تهدید به انجام آن، پیامی) یا تأثیر روانی خاص (دارد که یک گروه یا مجموعه، و یا کل جامعه را مورد هدف قرار می‌دهد؛ و [محیط یا افراد] پیرامون، قربانی مستقیم یا هدف مستقیم عمل تروعیستی هستند، که ممکن است هیچ ارتباطی با مسأله تروعیست‌ها نداشته باشند».

مرکز جورج مارشال برای مطالعات امنیتی اروپا تعریف زیر را ارائه کرده است: «تروعیسم به صورت خشونت سیاسی در تنش‌ها و مناقشات ناهمطراز تعریف می‌شود که با هدف ایجاد رعب و وحشت فیزیکی (گاه‌ها بدون آنکه تبعیض قائل شود) از طریق خشونت ابزاری و انهدام اهدافی که ربطی به مسئله‌ی مناقشه ندارند (گاه بصورت نمادین) طرح می‌شود. این قبیل اعمال اغلب دارای پامهایی از یک سازمان مخفی نامشروع برای دیگران هستند. هدف تروعیسم بهره گیری مستمر از رسانه‌های عمومی بمنظور جلب حداکثری توجه عمومی برای تقویت نفوذ و قدرت چانه زنی سیاسی در راستای رسیدن به اهداف کوتاه و میانمدت سیاسی است یا گاه‌ها بمنظور اهداف بلند مدتی نظیر اسقاط نظامهای سیاسی و دولت‌ها».

هافمن می‌گوید؛ در گام نخست حداقل همه پذیرفته‌اند که واژه‌ی تروعیسم یک واژه‌ی منفی و تحقیر کننده است. این لغتی است که ذاتاً ذهنیت منفی القاء می‌کند و اغلب افراد از آن برای توصیف دشمنان و مخالفانشان سود می‌جوینند.

برایان جنکیتز نیز این سوال را مطرح می‌کند که «چه چیزی نام تروعیسم به خود می‌گیرد؟» و می‌افزاید «به نظر می‌رسد بسته به نقطه‌ای که یک فرد از آن به ماجرا نگاه می‌کند این مسئله متفاوت خواهد بود. استفاده از واژه‌ی تروعیسم نیازمند نوعی تعهد اخلاقی است و این امر که اگر یک حزب بتواند با موفقیت برچسب تروعیست را به مخالفینش الصاق کند پس غیر مستقیم دیگران را بر آن می‌دارد تا نگرانی او را باور

کنند از نقطه نظر اخلاقی اعلام تصمیمی است دال بر پذیرش عمومی این شیوه عنوان یک تاکتیک سیاسی.»

یک عبارت مصطلح است که می‌گوید تورویست کسی است که از دید دیگر قهرمان آزادی است.

بنابراین، برای عمل تورویست‌ها، عناصری اصلی لازم می‌شود که به طور حتم باید فراهم شوند این عناصر عبارتند از:

- ۱- استفاده و یا تهدید به استفاده از خشونت، به صورت غیرقانونی و نامأнос.
 - ۲- عمل تورویستی توسط فرد یا گروه و یا خود دولت انجام می‌شود.
 - ۳- عمل تورویستی علیه فرد یا مجموعه‌ای از افراد و یا کل جامعه صورت می‌گیرد.
 - ۴- هدف از عمل تورویستی ایجاد جوگ از رعب و وحشت است.
 - ۵- انتشار یک پیام و ایجاد تأثیر روانی معین، که باعث می‌شود افرادی که هدف عمل تورویستی هستند تحت تأثیر آن اثر روانی قرار گیرند.
 - ۶- به طور معمول، عمل تورویستی، از حد هدف مستقیم خود، که ممکن است کوچک‌ترین ارتباطی با قضیه‌ی تورویست‌ها نداشته باشد، فراتر می‌رود.
- ژاک داریدا اندیشور سیاسی این سوال را مطرح می‌کند که «اگر به تعاریف رایج و صریح قانونی از تورویسم مراجعه کنیم، چه می‌یابیم؟»

و پاسخ می‌دهد «در این تعاریف، تورویسم ناظر به جنایتی است که علیه حیات انسانی و با تجاوز از قوانین ملی و بین‌المللی رخ میدهد. بر اساس این تعریف، هم نظامیان از مردم متمایز می‌شوند (قربانیان تورویسم عمدتاً غیرنظمی تصور می‌شوند) و هم اینکه، هدفی سیاسی مد نظر قرار می‌گیرد (ترساندن و مروعوب کردن مردمان غیر نظامی به منظور تأثیر گذاشتن و یا تغییر سیاست یک کشور). در نتیجه، تعاریف موجود، تورویسم دولتی را حذف نمی‌کنند. همه تورویست‌های دنیا مدعی اند که عملشان پاسخی است برای دفاع از خود، علیه تورویسم دولتی که به این عنوان عمل نمی‌کند و با استدلال‌های کم و بیش معتبر اعمال خود را توجیه می‌کند.»

«مثلا و به ویژه، از اتهاماتی که علیه امریکا وجود دارد اطلاع دارید. این کشور متهم به اعمال و تشویق تروعیسم دولتی است. از طرف دیگر، حتی در دوران جنگ‌های اعلام شده دولت با دولت، در اشکال قدیمی حقوق اروپا، تجاوزات تروعیستی رایج بود. از قرنها پیش، از بمبارانهای کم و بیش شدیدی که در طی دو جنگ جهانی اخیر انجام شد، ارعاب مردم غیرنظمی حربه ای معمولی بود.»

و اضافه می‌کند «در اینجا باید کلمه ای هم در مورد اصطلاح تروعیسم بین المللی بگوییم که آبשخور گفتمانهای سیاسی رسمی در همه جهان است. این اصطلاح را در بسیاری از قطعنامه‌های رسمی سازمان ملل هم می‌بینیم. بعد از یازده سپتامبر، اکثریت قریب به اتفاق نمایندگان (درست به خاطر ندارم؛ شاید هم اکثریت مطلق، باید دید) چیزی را که تروعیسم بین المللی مینامند محکوم کرده اند؛ همانطور که این امر، طی سالهای گذشته، چندین بار اتفاق افتاده است. تا جایی که کوفی عنان در جریان جلسه ای که از تلویزیون پخش می‌شد به بحث‌های فراوانی که پیش از رای گیری انجام شده بود اشاره کرد و گفت: حتی در لحظه ای که نمایندگان آماده می‌شدند تا به محکومیت آن رای دهند، بعضی از دولتها، در مورد روشنی این برداشت از تروعیسم بین المللی و ملاکهایی که موجب شناسایی ان می‌شوند، اظهار تردید کردند. چیزی که در این برداشتها، گنگ، جزمی یا غیر نقادانه است؛ مثل بسیاری از مفاهیم حقوقی که پیامدهای سنگینی دارند، مانع از این نمی‌شود تا قدرتهای موجود و به اصطلاح مشروع، آنگاه که به نظرشان مناسب برسد، از آنها استفاده نکنند. بر عکس، هر چه بینشی مبهم تر باشد، بیشتر به درد تصاحب فرصت طلبانه می‌خورد. وانگهی، به دنبال همین تصمیمات عجولانه و بدون کمترین بحث فلسفی در مورد تروعیسم بین المللی و اعلان محکومیت آن بود که سازمان ملل به دولت آمریکا اجازه داد تا برای حفاظت خود، از هر وسیله ای که مناسب دید، در برابر به اصطلاح تروعیسم بین المللی استفاده کند.»

دریدا همچین مذکور می شود که « تروریستها میتوانند، در مقطعی، به مثابه مبارزان آزادی مورد ستایش قرار گیرند (مثلا در مبارزه علیه اشغالگران شوروی در افغانستان) و در مقطعی دیگر به عنوان تروریست مورد تقبیح واقع شوند (که اغلب همان مبارزان و با همان اسلحه هستند). معهذا، نباید فراموش کنیم که در مورد تشخیص ملی یا بین المللی بودن تروریسمی که تاریخ الجزایر، ایرلند شمالی، کرس و یا اسرائیل و فلسطین را تحت الشاع قرار داده است، با مشکلات فراوانی رو برو خواهیم بود. هیچکس نمی تواند منکر شود که نوعی تروریسم دولتی در سرکوب الجزایریها توسط دولت فرانسه از ۱۹۵۴ تا ۱۹۶۲ وجود داشته است. وانگهی، تروریسم مبارزان الجزایری تا مدت‌های مديدة به عنوان پدیده ای محلی تلقی می شد؛ زیرا الجزایر، در آن زمان، بخشی از سرزمین ملی فرانسه به حساب می آمد؛ همانطور که تروریسم دولت فرانسه نیز به عنوان عملیات پلیسی و امنیت داخلی معرفی می شد. تازه، پس از گذشت دهها سال، در سالهای ۱۹۹۰ مجلس فرانسه به این مخاصمه عنوان جنگ داد (یعنی مقابله بین المللی)، آن هم با این هدف که بتواند به مطالبه حقوق بازنشستگی پاریزانهای فرانسوی پاسخ مثبت دهد. و به این ترتیب اختناق مسلحه به عنوان عملیات پلیس داخلی و تروریسم دولتی یکمرتبه به جنگ تبدیل شد و از طرف دیگر، از این پس، در بخش عظیمی از دنیا، تروریستها به عنوان مبارزان راه آزادی و قهرمانان اسقلال ملی شناخته شده و می شوند. و اما، تروریسم گروههای مسلحی که تاسیس دولت اسرائیل و به رسمیت شناختن آن را تحمل کردند، آیا ملی بود یا بین المللی؟ و همینطور گروههای مختلف فلسطینی امروز؟ یا ایرلندیها؟ یا افغانیهایی که علیه شوروی می جنگیدند؟ و یا چن ها؟ و در نهایت این سوال را مطرح می سازد که « از چه زمانی، تروریسمی میتواند به این عنوان دیگر تقبیح نشود و به مثابه تنها منبع و امکان مبارزه مشروع مورد ستایش قرار گیرد؟ یا برعکس! در کجا می توان مرز بین ملی و بین المللی را قرار داد؟ مرز بین پلیس و ارتش؛ مرز دخالت برای حفظ صلح و جنگ؛ فرق تروریسم و جنگ؛ مرز بین نظامیان و مردم غیر مسلح در سرزمینی و در

ساختارهایی که امکانات دفاعی یا حمله ای یک جامعه را تامین می کند، در کجا است؟»

ترس عمدۀ غریبها از چیزیست که آن را تزویریسم مذهبی می نامند که عنصر بنیادی حیات لیبرالی؛ حیات مارکسیستی و از همه‌ی اینها حیات اومانیستی را تهدید می کند. در حقیقت در تمام مبادی فکری و اعتقادی غیر مذهبی این امر پذیرفته شده است که با دست خالی هیچ کاری نمی توان کرد. این همان جایی است که تفاوت امیدواران و ناامیدان مشخص می شود. در اینجاست که یک مسلمان تمام دارایی خود را که حیات او و بنیاد تفکر لیبرالیسم غرب است بر سر میز بازی می آورد. این همان مسئله ایست که معادله‌ی غرب را بهم زده تا از هر شیوه‌ی ممکن اعم از تحقیر و تهدید و جنگهای دوازده ساله‌ی صلیبی برای از بین بردن این تضاد تلاش کند.

این که چرا تعریف دقیق و درست تزویریسم مهم است به این نکته بر میگردد که نباید اجازه داد تلاشها انسان‌های مستضعف، مظلوم و مورد تهدید برای دفاع از خود به بهانه‌های واهی با تزویریسم پیوند بخورد و در راه سرکوب او بکار گرفته شود در ضمن اینکه تزویریست‌ها نیز نتوانند با خلط مبحث خود را از جنایاتی که انجام می‌دهند میرا سازند و به مستکبران نیز نباید اجازه داده شود در بازی با کلمات و مفاهیم و مغالطه بدفاع و حمایت از جانیان تزویریسم پردازند.

تزویریسم واژه‌ایست که امروزه با مفاهیم وسیع و مختلفی قرین شده است و این نتیجه از نوع شکل‌گیری و شکل کشها و واکنش‌ها و نحوه‌ی تعامل نظام‌های انسانی با آن است.

تزویریسم شکلی از مبانی فکری و عملی است که بر بر عملکرد ترور محور بنا یافته و نیل به اهدافش را از طریق ترور دنبال می کند.

اما تزویریسمی که ما صدمه از آن دیده‌ایم را می‌توان در دنکترین و حیوانی‌ترین اشکال خشونت لجام گسیخته و جنایات کور دانست آن هم از سوی افراد ضعیف النفی که سیر حیات آنها مملو از تنש‌ها و تضادهاست.

تزویریسم و جرائم سازمان یافته

استفاده از شیوه‌هایی مشابه شیوه‌های سازمانهای مجرمانه در برقراری ترس و وحشت عمومی یا در اجبار دیگران به سکوت بر مبنای تعاریف عام تزویریسم اغلب برچسب تزویریسم نمی‌خورند، اما زمانی که این رفتارها با اهداف سیاسی در هم آمیزند یا از یک گروه ذیل اهداف سیاسی صورت پذیرد آن زمان برچسب تزویریسم بر این رفتارها خواهد نشست.^۱

ساندرو کالوانی نویسنده‌ی کتاب تهدیدی بر انسان و امنیت می‌نویسد «برخلاف آنچه که در باره اعمال تزویریستی گفته می‌شود، این اقدامات کور و بی‌هدف نیستند، بلکه تزویریست‌ها مانند اعضای سازمان‌های مجرمانه، معمولاً به صورت برنامه‌ریزی شده و هدفمند اقدام می‌کنند».^۲

حکیمیها نویسنده‌ی مقاله‌ی مقایسه‌ی تزویریسم با جرائم سازمان یافته نیز می‌نویسد «اگر چه در اغلب موارد افراد بی‌گناه [و نا مربوط به موضوعات مناقشه] آماج حملات تزویریستی هستند اما اقدامات مذبور خواست تزویریست‌ها است تا به هدف و خواسته‌ی خود در برابر حکومت یا اشخاص دیگر برسند».^۳

حکیمیها همچنین بیان می‌دارد «مهمترین عاملی که متخصصان بخصوص جرم‌شناسان در بیان تفاوت اعمال تزویریستی و جرائم سازمان یافته است انگیزه‌ی و داعی ارتکاب جرم است. به گفته‌ی آنان جرم سازمان یافته با هدف سود جویی است در حالیکه در انجام اعمال تزویریستی انگیزه سیاسی یا ایدئولوژیک است. هدف آنها این است که حکومت‌ها را سرنگون کنند و برای کار کردن در نظام اجتماعی خاص دنبال فعالیت‌های خود هستند. بعلاوه ممکن است وجه دیگری از تمایز نیز در این بین مطرح باشد به این شکل که همواره این احتمال وجود دارد که حکومت‌ها با

^۱ حکیمی‌ها؛ سعید: مقایسه‌ی تزویریسم با جرائم سازمان یافته

^۲ همان

^۳ همان

سازمان‌های تزویریستی مذاکره کنند یا حتی شکلی از مشروعیت را به آنها اعطا کنند، یا گاهی با هم می‌جنگند و گاهی در آتش بس بسر می‌برند اما در مورد سازمان‌های مجرمانه حکومت هرگز مذاکرات رسمی و سازمان با سازمان ندارد و هرگز احتمال اعطای مشروعیت به یک سازان مجرمانه وجود ندارد. بعلاوه در ادامه‌ی این قیاس می‌توان گفت که تزویریست‌ها اغلب علاقمند هستند که فعالیت‌هایشان تحت پوشش رسانه‌ای قرار گیرد در حالی که سازمان‌های مجرمانه علاقمند هستند که فعالیت‌هایشان پنهان بماند. بعلاوه شیوه فعالیت بنیادی سازمان‌های تزویریستی خشونت محور است در حالی که سازمان‌های مجرمانه جز در زمان نیاز به خشونت متولّ نمی‌شوند. اعضای سازمان‌های تزویریستی وقتی در مقام محاکمه به دادگاه یا زندان یا پای چوبه‌ی دار می‌روند به عملکرد و جنایات خود افتخارات می‌کنند [در مورد تزویریسم تزویریسم و موارد مشابه این قضیه بعضاً صادق نیست] و چهره‌های حق به جانب بخود می‌گیرند اما اعضای سازمان‌های مجرمانه غیر از مواردی که استثناء است اغلب اعمال ارتکابی را منکر می‌شوند.^۱

تزویریسم با بسیاری از فعالیت‌های مجرمانه‌ی فرامی‌نظیر قاچاق سلاح؛ انسان؛ مواد مخدر و پولشویی پیوند خورده است،^۲ که با تعریف شدن مشروعیت برای تامین اسلحه برای دفاع از خود و پنهان سازی منابع مالی در راستای جلوگیری از ضربه پذیری می‌توان حزب‌الله لبنان و موارد مشابه را از دایرۀ تزویریسم خارج کرد و بالطبع تامین کنندگان آن را نیز از گزند عواقب بعدی مصون گردانید.

سعید حکیمیها نویسنده این سوال را مطرح می‌کنند تزویریستها که دارای انگیزه‌ی سیاسی یا ایدئولوژیک هستند هزینه‌های سنگین این عملیات را از چه منابعی تامین می‌کنند؟ و پاسخ می‌دهد که به غیر از گروه‌هایی که از پشتونه مالی دولتهای حامی تزویریسم استفاده می‌کنند مانند جندالله و القاعده که توسط سازمان اطلاعات پاکستان

^۱ همان^۲ محمود جلالی: «تزویریسم از دیدگاه حقوق بین‌الملل با تأکید بر حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱»

تامین می‌شوند یا سازمان خلق عرب که در سالهای پیش و اوایل انقلاب توسط حزب بعث عراق حمایت می‌شده یا سازمان مجاهدین خلق که بوسیله‌ی دولتهای اروپایی و آمریکایی حمایت می‌شود مابقی سازمانهای تزویریستی برای تامین هزینه‌های خرید و ساخت اسلحه، مواد منفجره و وسایل حمل و نقل و پرداخت حقوق به نفرات و آموزش آنها یا آنکه دست به جرائم مالی مستقل بزنند یا در جرائم دیگران مشارکت جویند. برای مثال ارتش متحد «شان» در کلمبیا و سازمان «ام ۱۹» در کلمبیا و سازمان «راه درخشنان» در پرو و نیز «طالبان» در افغانستان از سودی که از تجارت مواد مخدر به دست می‌آورند برای تامین هزینه‌های مبارزات شورشگرانه‌ی خود استفاده می‌کنند بدون این منبع در آمد قابل ملاحظه بسیاری از این قبیل گروهها توان فعالیت نخواهند داشت و به زودی منحل خواهند شد.^۱

علل تزویریسم

یکی از علل گسترش روز افزون اشکال مختلف تزویریسم در قرن حاضر این است که جنگ‌ها محدود شده‌اند. امروزه بنا به دلایل متعدد مردم جهان جنگ‌ها و لشگرکشی‌ها را به سادگی نمی‌پذیرند به علاوه جنگ مستقیم هزینه‌های بسیاری برای کشورها دارد؛ اما بنیاد تئوری‌های سیاسی غرب و شرق جنگ و خشونت را راهی برای نیل به اهداف و امتداد سیاست تعریف می‌کنند چنانکه رابت ال. هلسوی از طرح‌ریزان کودتاها محملی و جنگ نرم بر این عقیده است که کودتا، حملات تزویریستی؛ جنگ و حتی استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی همه ابزاری برای دستیابی به منابع هستند.^۲ و مائو می گوید «سیاست جنگ بدون خونریزی است و جنگ، سیاست همراه با خونریزی؛ ما طرفدار بر چیدن بساط جنگ هستیم، اما بساط

^۱ حکیمی‌ها؛ سعید: مقایسه‌ی تزویریسم با جرائم سازمان یافته

^۲ ۵نکته‌ی اساسی در مبارزه‌ی مسالمت‌آمیز: مرکز اقدامات و استراتژی‌های مسالمت‌آمیز

جنگ را با جنگ می توان بر چید و برای از بین بردن اسلحه باید مسلح شد». ^۱ یا آنکه می گوید که «قدرت سیاسی از لوله‌ی تفنگ‌ها بر می‌آید».^۲

چه اینکه منافع سیستم‌ها [شامل دولت‌ها و جوامع] گاه با هم در تعارض می‌آید باید به نحوی این تعارض مرتفع شود، اگر شد از راه مسالمت آمیز و اگر نشد راه خشونت همواره باز است تنها یک زبان است که مشترک بین تمام موجودات زنده است و همه آن را می‌فهمند و نیست جز «زبان بین المللی زور»!^۳

بنابراین باید راهی یافت و چه راهی بهتر از این که افرادی را به نیابت از خود به جنگ بفرستیم که باور کرده‌اند برای آزادی می‌جنگند و حاضرند جان خود را در این راه بدھند، به همین سادگی ایالات متحده و اسرائیل تزویریست‌ها را علیه ایران بصف می‌کنند، القاعده‌ای که داعیه دار جنگ با اویند تقویت می‌کنند؛ تزویریست‌ها را در سوریه مسلح می‌کنند و بجان محور مقاومت می‌اندازند. بعد هم که تزویریست‌ها نظامهای حاکم را سرنگون کردند نوبت به جنگ علیه ترور می‌رسد و آنوقت چه کسانی کلانتر دنیا هستند؟

البته دور از ذهن نماند که دو مسئله همچنان باقی است. یکی آنکه هنگامی که دولتها از تزویریسم بعنوان یک ابزار استفاده می‌کنند نمی‌توانند انتظار داشته باشند که گروههای دیگر از این ابزار بی بهره بمانند و دوم اینکه هر کس در مقابل منافع باطل استعمارگران ایستاده از آنجا که اغلب راهی جز خشونت برای او باقی نگذاشته‌اند به سرعت موفق به دریافت نشان تزویریسم می‌گردد.

تزویریسم سابقه‌ای طولانی در تاریخ بشر دارد. همواره در تمام جوامع تزویریسم وجود داشته است^۴ و تفاوت اشکال و مبادی اجرایی آن از روش‌ها و ابزارها سرچشمeh

^۱ همان

^۲ همان

^۳ همان

^۴ شاید بتوان مشهورترین اشکال تاریخی تزویریسم را زیلوتها ی یهودی و داروسازان پیرو حسن صباح دانست.

می‌گرفته. و می‌توان گفت هر چه که از رهگذر توسعه‌ی جهانی ابزار بهتری بدست آنها رسیده است شدت آسیب‌هایی که به جوامع وارد کرده‌اند نیز بیشتر و دردناکتر شده است.

از معروف‌ترین گروههای تاریخی که شیوه‌ی ترور را در پیش گرفتند عبارتند از زیلوت‌ها^۱، آمازونها^۲، حشاشینها^۳ و گروه‌های بسیار دیگری که نامشان در کتب تاریخ مضبوط است. امروزه گروههای زیادی مشی حرکت خشونت باز و مسلحانه را به کار می‌گیرند و هر جامعه‌ای بسته به مقتضیات و منافع خود برخی را تزویریست می‌خواند. اما اسلام هرگز مبارزه‌ی مسلحانه را نفی نکرده بلکه در آیات و روایات مختلف این اجازه را به ایشان داده که در دفاع از خود یا احقاد حقوق خود دست بسلاخ ببرند.

بخشی از تزویریسم بعلت عدم توانایی هضم آسیب در سلسله مراتب دفاع در جوامع است که به این واسطه سیستم مجبور است تهدید را پیش از عمل مرتفع و خشی سازد. سیاست اصلی دو رژیم پادشاهی بریتانیا و رژیم صهیونیستی بعلت ضعف

^۱ آنها دسته از دلاوران یهود بودند که به قتل و غارت می‌پرداختند شیوه‌ی عمل و اهداف آنها از ابهامات تاریخ فرزندان اسحاق(ع) است و لیکن ادعاهای فراوانی در باره‌ی این گروه وجود دارد و حتی ادعا می‌شود این گروه نسل به نسل مخفیانه به کار خود ادامه داده و امروزه نیز نوادگان زیلوت‌های اولیه این گروه را اداره می‌کنند – نقل از وبسایت آنتی فراماسون

^۲ آمازون‌ها گروهی از زنان دلاور و سلحشور بودند که حکومت زنان را بنیان نهادند؛ منقول است که از رسوم آنها این بوده که تنها برای زاد و ولد از مردان استفاده می‌کردند و پس از آستنی مردان نگون بخت را رهسپار دیار نیستی می‌کردند، و نیز گفته می‌شود که این زنان سینه‌های خود را می‌بریدند تا مانع از رزمشان نشود در مورد این گروه نیز افسانه‌های حمامی، تاریخی و جادویی بسیاری آورده اند ولیکن به مثابه تمام بحث‌های تاریخی هاله‌ای از ابهام آن را در بر گرفته است.

^۳ مزدوران اسماعیلیه تحت امر حسن الصباح مقیم در قلعه‌ی کوهستانی الموت که گستره‌ی عملی به وسعت ممالک اسلامی داشته اند و افسانه‌های شگرفی در رابطه با توانایی، مهارت و شجاعت و اقدامات فرقه‌ی قاتلین حسن الصباح بوجود آمده است که دقیقاً مبدأ آنها قابل تشخیص نمی‌باشد. گفتنی است امام اسماعیلیه امروزه در اروپا زندگی و در دانشگاه‌های اروپا تحصیلی کرده است.

ژئوپلولوگیکی و عدم توانایی هضم آسیب با اقدام پیشدهستانه و بشکل تهاجمی به رفع تهدید می پردازند در این شیوه عملکرد بروون سیستمی و بروون مرزی یک اولویت محسوب می شود. رژیم صهیونیستی عملیات های ترور نظیر ترور رنتیسی، یاسین، عرفات و دانشمندان هسته ای مصر، عراق، سوریه و ایران را در ذیل همین راهبرد قلمداد می کند. ناتوانی در عملکرد قانونی از ویژگی های این شیوه ی دفاع است.

اقدامات پیشدهستانه در حوزه ای امنیت نظامی که وجه غالب این قبیل اقدامات است در گذشته با حمله های بزرگ، لشگر کشی، تغییر حکومت، گروگان گیری از حکومت تهدیدگر یا... اجرا می شد اما امروزه بنا به دلایل مختلف از جمله فشار افکار عمومی و هزینه اغلب این اقدامات در سطح تحریم؛ عملیات های شبه تروریستی؛ تروریستی؛ عملیات های خرابکارانه؛ هدف قراردادن بسترها زیربنای حیاتی؛ حمایت از زیر سیستم های متعارض و بعضاً لشگر کشی صورت می پذیرد.^۱

روزنامه انگلیسی زبان ایندیپندنت در مقاله ای تحت عنوان «کشنده ترین ترورکنندگان جهان» از موساد با نام «ماشین قاتلی رحم اسراییل» نام برده است و با بر Sherman تن ترورهای مسعود علی محمدی، مجید شهریاری و فریدون عباسی^۲ گفته است که «در همه این ترورها امضای سرویس مخفی اسراییل دیده می شود».^۳ برخی منابع نیز به نقل از سرویسهای اطلاعاتی غربی قتل مشکوک دیگر دانشمند هسته ای ایرانی اردشیر حسن پور در تابستان ۲۰۰۷ را نیز به موساد نسبت داده اند.^۴

در ۲۱ دی ماه ۱۳۹۰ و پس از ترور مصطفی احمدی روشن مسئول بازرگانی سایت نطنز که در سالگرد ترور مسعود علی محمدی استاد فیزیک ایرانی صورت گرفت،

^۱ کیهان - ۱۸ بهمن ۱۳۹۱ - گزارش: اشغال عراق؛ نبرد بی فایده

^۲ البته نکته ای لازم ذکر این است که مدت ها پیش از ترور دانشمندان هسته ای تهدیدات مختلف از جمله دسته گل هایی همراه با نامه های تهدید آمیز برای ایشان ارسال می شده که این شیوه در مورد سازمان های اطلاعاتی غربی عجیب به نظر می رسد و چندان مسبوق به سابقه نیست لیکن در ایران شناخته شده است.

^۳ مقالات سیاسی: پایگاه اینترنتی looti.net

^۴ همان

صفر علی بر اتلو دبیر شورای تأمین استان تهران ترور را منسوب به صهیونیست‌ها دانست. به دنبال این ترور، مقامات رسمی آمریکا و انگلیس این ترور را محکوم کردند. ولی سخنگوی ارتش اسرائیل در این باره گفت "ما برای این قتل اشکی نمی‌ریزیم". روزنامه فیگارو، به نقل از برخی مقامات عراقی نوشت، دولت اسرائیل برخی از مخالفان دولت ایران را برای چنین بمب گذاری‌های در کرده‌ستان عراق گرد هم آورده است. به نوشته واشنگتن پست، فرمانده ارتش اسرائیل، روز قبل از این حمله گفته بود، سال ۲۰۱۲ سالی بحرانی برای ایران خواهد بود و اتفاقاتی غیر طبیعی‌برای این کشور رخ خواهد داد.^۱

شبکه ان بی سی نیوز به نقل از یک مقام آمریکایی، بدون فاش کردن هویت او، نوشت که حملات علیه دست اندکاران برنامه اتمی ایران توسط اعضای سازمان مجاهدین خلق و با حمایت مالی، آموزشی و تسليحاتی سرویس اطلاعاتی اسرائیل انجام شده است. مقام آمریکایی مذکور به ان بی سی گفته است که دولت آمریکا از عملیات ترور مطلع است، اما نقشی در آن ندارد.^۲

اسرائیل بیشترین سوابق را در ترور هدفمند رهبران مخالف [فلسطینیان] دارد. بسیاری از رهبران سازمانهای فلسطینی همچون جهاد اسلامی و حماس توسط دستگاههای امنیتی اسرائیل ترور شده‌اند. دادگاه عالی اسرائیل ترورهای هدفمند را توجیه و آن را در مقابل عملیات‌های انتشاری فلسطینیان تایید کرد. ترورهای هدفمند اسرائیل با واکنش جامعه جهانی مواجه گردیده اما اسرائیل همواره با جنگ رسانه‌ای بر تزویریسم نهادینه شده در ساختار خود را پنهان ساخته است.^۳

از این گذشته شکلی از تزویریسم را با نام تزویریسم بنیادگرایان اسلامی می‌شناسیم – تزویریسمی که از سوی اهل سنت افراطی شکل گرفته و قربانی اصلی آن افراد بی

^۱ همان^۲ همان^۳ تارنمای LOOTI.NET

دفاع هستند – که دکتر محقر استادیار دانشگاه فردوسی مدعاً است که «مدرنیته با ورود به جوامع اسلامی با ایجاد حس نوستالوژی (حس حسرت دوران گذشته) در جهان اسلام شده که سبب انگیزش این جوامع برای احیای اسلام اصیل و بازگشت به دوران طلایی اسلام به عنوان آلترنیتیو مدرنیته‌ی غربی شده است». ^۱

و دکتر فراتی محقق بیان می‌دارد که فرض را بر آن می‌دارد که «از سویی ترکیب مذهب و هابیت [به نحوی اغلب اهل سنت آمادگی آن را دارند] با اندیشه‌های سید قطب ^۲ و تفسیر افراطی از مفهوم جهاد در اسلام ^۳ (به عنوان عوامل ذهنی) و از سوی دیگر وقوع انقلاب اسلامی ایران و اشغال افغانستان در سال ۱۹۷۹ (به عوامل عینی) نیز در شکل گیری این سازمان نقش کلیدی داشته است. به عبارت دیگر ترکیب اندیشه‌های سید قطب، مذهب و هابیت و تفسیر افراطی از واژه‌ی جهاد در واکنش به انقلاب اسلامی ایران و همچنین اشغال افغانستان توسط شوروی، مذهب جدیدی را بوجود آورده است که از آن به «نو و هابیسم» تعبیر می‌شود و نمونه‌ی بارز آن سازمان القاعده ^۴ است.^۵».

^۱ بررسی رابطه‌ی مدرنیته و بنیاد گرایی اسلامی بر مبنای مفهوم نوستالوژی

^۲ نویسنده‌ی کتابهایی چون مرزهای اسلام بترجمه‌ی سید علی خامنه‌ای و دلایل عقب ماندگی شرق از غرب ^۳ این مفهوم افراطی بر مبنای تفکر صحابه محور علمای اهل سنت از رفتارهای افرادی چون خالد بن ولید؛ معاویه بن ابوفیان و... شکل گرفته و نیز احادیث نامفهومی که در باره‌ی جنایات غیرقابل باور از سوی نبی اکرم (ص) در کتب ایشان داخل شده این تفکر را تشید کرده.

^۴ القاعده در سال ۱۹۸۸ توسط مجاهدين افغانی وابسته به سازمات «مكتب الخدمة للمجاهدين العرب» که از عربستان سعودی و با هدف خدمت رسانی به مجاهدين افغان تغذیه می‌شد به وجود و بعدتر یک شبکه‌ی بین المللی ترویستی بوجود آورد که تا چندی پیش توسط مامور سازمان سیاستی عثمان مشهور به بن لادن مدیریت می‌شد و پس از مرگ موهوم وی توسط جانشین وی مدیریت می‌شود. این سازمان در پیش از ۵۵ کشور جهان فعال است و اعضای آن به جز تعدادی که جاسوس سازمانهای اطلاعاتی غربی هستند همه سنتی مذهب هستند. شاخه‌ی رزم بیابان این سازمان اخیراً ایران را بعنوان یک هدف مهم برای خود مطرح کرده است.

^۵ القاعده یا شاخه‌ی افغانستان آن طالبان تنها یک نمونه‌ی این تفکر است و گروه‌های ترویستی زیادی از این رهگذر در سرتاسر فعال شده‌اند.

^۶ فراتی، عبدالوهاب؛ اسلام سیاسی و القاعده

به نحوی می‌توان گفت تجربه‌ی جنگ افغانستان مجاهدین عرب-افغان را رادیکالیزه کرد. این گروه از میان افراطیون مسلمان(فقط اهل سنت) و در سال ۱۹۸۲ توسط رهبران سه سازمان جاسوسی «سیا»، «اینتلیجنت سرویس» و «آی.اس.آی» به وجود آمد. [...] وظیفه‌ی گرداوری این افراد بر عهده‌ی جمعیت علمای[اهل سنت] پاکستان نهاده شد. اخوان المسلمين در خاورمیانه، مجمع جهانی اسلام -مستقر در عربستان سعودی- و برخی گروههای جهادی فلسطینی جزو نخستین اعضای این سازمان بودند. سرمایه‌ی لازم نیز بوسیله‌ی آژانس اطلاعاتی عربستان و بخشی نیز بر عهده‌ی امارات عربی متحده گذاشته شد، تدارکات و آموزش‌های لازم هم به واسطه‌ی سازمان اطلاعات پاکستان [از طریق سازمان سیا] تامین می‌شد.^۱

تزویریسم دولتی

در این شکی نیست، گرایش دولت بر این است که با تهدید، به طور مشخص، خشونت را به انحصار خود درآورد. ولی تاریخ سیاسی کلمه‌ی تزویریسم از مراجعه به تزویریسم انقلابی فرانسوی ناشی شده است، تزویری که به نام دولت اعمال شد و دقیقاً با این فرض که انحصار مشروع خشونت از آن او است.

باید توجه داشت که گسترش روز افزون این پدیده اساساً ریشه در سیاست‌های کلان برخی دولتها دارد که منافع خود را در استعمار و سلطه بر دیگر کشورها تعریف کرده‌اند.^۲ اگر از منظر پشتونه و منشاء گروههای تزویریستی و منابع حمایتی به مطالعه پدیده تزویریسم پردازیم؛ درخواهیم یافت که اغلب مجموعه‌های جنایتکاری که علیه ملت‌ها اسلحه می‌کشند از پایگاه اجتماعی مردمی برخوردار نیستند و منابع

^۱ جباری، علیرضا؛ افغانستان از نگاهی دیگر

^۲ تزویریسم دولتی را بهتر بشناسیم: ارتض خصوصی آمریکا با ابزار گروهک‌های تزویریستی

درآمدی روشنی در اختیار ندارند. پس این سوال مطرح می‌شود که منشاء تامین مالی و تسليحاتی آن‌ها کجاست؟^۱

هر گونه عمل حکومت‌ها و دولت‌های گوناگون که به صورت مستقیم یا غیرمستقیم منجر به حمایت و سازماندهی اقدامات و فعالیت‌های جنایتکارانه، خشونت بار و تروریستی در کشورهای دیگر گردد را تزویریسم دولتی می‌نامند. و در همین رابطه و برای مبارزه با این پدیده قوانین حقوقی و بین‌المللی تعریف شده که بر دو اصل مهم تاکید دارند:^۲

۱. دولت‌ها وظیفه دارند از اعمال تروریستی علیه کشور دیگر یا علیه اشخاص بی‌گناه جلوگیری کنند.

۲. دولت‌ها متعهد هستند که در امر پیش‌گیری و مبارزه با تزویریسم و هم‌چنین مجازات تروریست‌ها با یک‌دیگر هم‌کاری کنند.

مطابق با این تعریف برجی از کشورهای غربی و در راس همه آن‌ها ایالات متحده آمریکا که اتفاقاً داعیه مبارزه با تزویریسم را دارند، مصدق تزویریسم دولتی قرار می‌گیرند و باید گفت که هم‌سویی اعجاب انگیز اهداف بسیاری از گروه‌های تروریستی با سیاست‌های کلان ایالات متحده اتفاقی نبوده است و این واقعیت علاوه بر صدھا دلیل روشن دیگر از نشانه‌های نقش پررنگ آمریکا در تولید و پرورش تزویریسم در جهت پیگیری سیاست‌های دولتی اش می‌باشد.^۳

همان‌طور که اشاره شد یکی از دلایل روشن نقش دولت آمریکا در برجی اقدامات تزویریستی، جهت‌گیری گروه‌های تزویریستی در مسیر سیاست‌های این کشور است. به عبارت دقیق‌تر بسیاری از گروه‌های فعل تزویریستی، مشغول جنایت و خرابکاری

^۱ همان

^۲ تارنمای TABNAK.IR

^۳ همان

علیه کشورهایی هستند که در مناقشات سیاسی و بین‌المللی مقابله با سیاست‌های دولت آمریکا قرار گرفته‌اند. رسانه‌های وابسته به این گروه‌کها نیز پیوسته در حال انتشار انعکاسی واضح از خواسته‌های دولت آمریکا در قبال کشورهای هدف هستند و بالاخره مشاهده می‌شود که سازمان‌های تروریستی در همین راستا با شخصیت‌های سیاسی و چهره‌های بر جسته آمریکایی به صورت با واسطه یا بی واسطه ارتباط‌های تنگاتنگی دارند.^۱

روشن است که فلسفه این نوع ارتباطات و حمایت‌های مادی و معنوی آمریکا از گروه‌کهای تروریستی، این است که دولت آمریکا از تروریست‌ها در جهت پیش‌برد اهداف خود استفاده ابزاری می‌کند. اما دو نکته مهم در این روش وجود دارد؛ نخست این که این سیاست تنها مختص کشور آمریکا نیست و بسیاری از قدرت‌های غربی و از جمله رژیم غاصب صهیونیستی به این روش متول می‌شوند. و دیگر این که کشورهای غربی زمانی به این روش دست می‌زنند که در روش‌های قانونی، رایزنی‌های سیاسی و حتی اعمال فشارهای بین‌المللی به بن بست رسیده باشند، که این روش نشانه ضعف و استیصال آن‌ها است.^۲

از منظر تشکیل و تشویق تزویریسم شکلی از تزویریسم مطرح است اما شکل دیگری که همواره مهجور می‌ماند آن چیزی است که ایالات متحده به جهان قرن بیست و یکم تحمیل کرده است که عبارت است از نخست لشکرکشی‌های ایالات متحده که مشروعیت و وجاهت قانونی ندارد و اگر به فرض هم بنا به خواست مردم این کشورها بوده و مشروعیت خویش را از این خواست کسب کرده ادامه‌ی حضور نظامی و اشغال علاوه بر آنکه هم بر مبنای اهداف سیاسی است و هم سبب وحشت عمومی

^۱ همان

^۲ همان

مردمی است و حضور سربازان در پایگاه های مختلف نظامی ایالات متحده در سراسر جهان به نحوی تزویریسم است.^۱

در کتاب فرهنگ علوم سیاسی^۲ آمده است:

«تزویریسم دولتی (State Terrorism) نیز اصطلاحی است مشعر به دخالت دولت یا دولتهایی در امور داخلی و یا خارجی دولتی دیگر؛ که به منظور ایجاد رعب و وحشت، از طریق اجرا و یا مشارکت در عملیات تزویریستی، و یا حمایت از عملیات نظامی، به منظور زوال، تضعیف، و براندازی دولت مذکور و یا دستگاه رهبری آن صورت می‌گیرد.



^۱ همان

^۲ نوشته‌ی علی آقا بخشی



– سه نمونه از حمایت های ایالات متحده از تزویریسم تصویر بالا؛ صبرا و شتیلا و تصویر پایین؛ تزویریستهای سوری



أنواع تزويریسم

آقای نانس تزویریستها را بشكل زیر تقسیم نموده است:^۱

- کلاس نخست: تزویریستهای حرفه ای که توسط دولت ها تجهیز و آموزش داده می شوند.^۲

^۱۱۲۸

^۲نام برده در مقاله‌ی خود سازمانی ذیل عنوان «پاسداران انقلاب» را تحت حمایت IRGC (سپاه پاسداران انقلاب اسلامی) با حوزه‌ی عمل بین‌المللی تعریف کرده و ذیل کلاس نخست تزویریستها معرفی می‌نماید.

- ۲۲ تا ۵۰ ساله
 - دارای تحصیلات عالی و آموزش‌های جاسوسی و خرابکاری و ترور
 - کلاس دوم: تندروهای مذهبی^۱ حرفه ای.
 - سران بین ۱۸ تا ۴۵
 - عاملین بین ۵ تا ۸۰ (مذکر یا مونث؛ عاقل یا غیر عاقل)
 - تحصیلات پایه و گاه عالی
 - اغلب بدون سابقه جزائی و کیفری
 - کلاس سوم: انقلابی‌ها رادیکال یا تندروهای شبه مذهبی
 - از ۲۰ تا ۵۰ سال و از بیسواد تا دانشگاهی
 - کلاس چهارم سربازان رزم نامنظم یا سربازان مزدور
 - ۱۰ تا ۵۰ ساله و بیسواد و کم سواد
 - کلاس پنجم: تازه کارها (شامل شهروندان؛ بزهکاران آموزش ندیده، پارتیزان‌های شبه نظامی)
 - از ۱۰ تا ۶۰ ساله و کم سواد و بی سواد
- مشاور ناظر بر اجرای قوانین در ایالات متحده در ۱۹۷۵ در مجموعه‌ای از دستور العمل‌ها ذیل عنوان اغتشاشگری و تزویریسم را به شش شاخه تقسیم کرده:
- اغتشاشات شهروندی: شکلی از تجمع خشونت آمیز که طغیان علیه صلح؛ امنیت و فعالیت‌های معمول اجتماعی محسوب شود. این تقسیم بندی به دولت ایالات متحده این اجازه را می‌دهد که با تزویریست قلمداد کردن شهروندانش از قوای قهریه علیه آنها استفاده کند چنانکه می‌بینیم در جریان یک جنبش مردمی ارتش ایالات متحده وارد عمل می‌شود و تفنگداران دریایی و تانکهایش را به مقابل مردم می‌فرستد تا مردم با گلوله‌ی زرهپوشها از بین بروند.

^۱ The Religious Extremist Professionals

- **تُروریسم سیاسی:** جرائم خشونت بار که طرح شده اند تا بع منظور دست یابی به اهداف سیاسی ابتدائا در جامعه یا بخشی از آن وحشت پا کنند.
- **تُروریسم غیر سیاسی:** شکلی از تُروریسم که در آن اهداف سیاسی مدنظر نیستند اما اعمالی هستند که طرح می شوند تا با اهداف قهر آمیز درجه‌ی بالایی از وحشت را در جامعه ایجاد و تثیت کنند. اما در پایان آن منافع شخصی یا جمعی از طرق سیاسی حاصل می شود.
- **شبه تُروریسم:** فعالیتها بی که به مجموعه‌های جنایی خشن وابسته باشد که مشابهت شکلی یا شیوه‌ای با تُروریسم واقعی داشته باشد لیکن عواملی در آن کم است تا بتوان آن را تُروریسم نامید. در شبه تُروریسم هدف اصلی مانند تُروریسم واقعی وحشت آفرینی در قربانیان بلافصل مطرح نیست اما بهر روی در شبه تُروریسم از فرآیندها^۱ و تکنیک‌های تُروریسم واقعی استفاده می شود. و صد البته که نتایج و واکنش‌های مشابهی را نیز در بر دارد. برای مثال فلون کسی بود که در یک اقدام شبه تُروریستی دست به گروگان گیری زد و از شیوه‌هایی استفاده کرد که تُروریست‌های واقعی استفاده می کنند اما با اهدافی کاملاً متفاوت (غیر سیاسی).
- **تُروریسم سیاسی محدود:** تُروریسم سیاسی واقعی به وسیله‌ی خط مشی‌های انقلابی شخصیت پیدا کرده؛ در حالیکه تُروریسم سیاسی محدود در اشاره به اعمال تُروریستی به کار می ورد که در راه نیل به اهداف ایدئولوژیک یا انگیزه‌های سیاسی صورت می گیرد باستثناء اینکه بخشی از یک طرح گسترشی برای بدست گیری کنترل دولت نیست.
- **تُروریسم حاکمان و تُروریسم دولتی:** اشاره به مللی دارد که قانونشان بر وحشت و فشار بنا شده که به نحوی تُروریسم و یا قرینه‌ی آن محسوب می شود. بعلاوه این شاخه از تُروریسم را می توان در تُروریسم ساختارمند به کار برد که در آن

^۱ modalities

اعمالی که تزویریستی محسوب می شوند از جانب دولت ها در راه اهداف سیاسی و اغلب به صورت بخشی از امنیت خارجی آنها صورت پذیرند.

این تقسیم بندی اگر چه کامل به نظر می رسد اما عملاً با عدم ارائه‌ی تعریف واضح از تزویریسم بلا استفاده خواهد بود. بعلاوه می بینیم که مطابق تعریف تزویریسم دولتی اعمالی که ایالات متحده ذیل عنوان عوام فریب جنگ علیه تزویر صورت می دهد خود عملاً شکلی از تزویریسم دولتی محسوب می شود و در مورد رژیم اشغالگر قدس نیز مشابه آن صادق است چه اینکه حتی در خارج از مرزهای خود اقدام به تزویر مخالفین می کند و با گستاخی تمام آن را اعلام نیز می کند.

کتاب تزویریسم و امنیت سرزمنی^۱ در تقسیم بندی تزویریسم شکل زیر را مطرح می کند:

- تزویریسم سیاسی
- تزویریسم زیر مجموعه‌ی ملت
- تزویریسم جدایی طلبان و ملی گرایان
- تزویریسم افراطیون مذهبی
- تزویریسم بنیاد گرایان مذهبی
- تزویریسم ادیان جدید
- تزویریسم راست گراها
- تزویریسم چپ گراها
- تزویریسم فرد محور
- تزویریسم تحت حمایت دولت
- تزویریسم دولتی یا رژیمی
- تزویریسم مجرمانه

Terrorism and homeland security: an introduction with applications, by Philip P. Purpura,^۱
Butterworth-Heinemann, 2007, ISBN 0-7506-7843-7, p. 16

سوالات اساسی در مقابله با تزویریسم

مالکوم دابلیو نانس صاحب نظر در امور تزویریسم میگوید کسانی که برای مبارزه با تزویریست ها آماده می شوند باید برای سوالات زیر پاسخ داشته باشند:^۱

- چه کسی / کسانی یک تهدید را شکل می دهد / دهند؟
- این افراد از چه راههایی برای وارد آوردن آسیب استفاده می کنند؟
- چگونه این تهدیدات عملی می شوند و حملات چگونه شکل می گیرند؟
- از همه مهمتر اینکه در زمان بروز این حملات چه اقداماتی باید صورت پذیرد تا خدمات مهار شود.

وی همچنین می افزاید که باید سازمانهای اطلاعاتی را به نحوی سازمان داد که بتوانند دریابند:^۲

- توان تزویریستها در چه سطحی از کم و کيف است؟
- شیوه‌ی عمل آنها در سطح خیابان را بفهمد و طراحی شیوه‌ی پاسخگویی در سطح درگیری خیابانی را بنماید.
- منابع اطلاعاتی تزویریستها را پویش کرده و بیاید.
- منابع تامین مالی و تسليحاتی تزویریستها را بیابد.
- بداند حداقل توان تزویریست ها (حمله همه جانبه) چه میزان جدی و چه میزان آسیب زاست؟
- وی می گوید دکترین دفاعی ایالات متحده بر ۳D (3D) استوار است که عبارت است از: شناختن(DETECT)، تحذیر(DETER) و دفاع(DEFEND) استوار است.
- عمدۀ و مشهود ترین اقدامات دولت ها در مقابله با تزویریسم در تشکیل نیروهای ویژه یا تخصیص بخشی از قوای قهریه‌ی موجود به شکل تخصصی در این موضوع

^۱ Terrorists Recognition Hand Book:34

^۲ Terrorists Recognition Hand Book:37

^۳ Terrorists Recognition Hand Book:50

است. در این بین بعضی دولت‌ها مانند ایران با هزینه در مناطق ترووریست خیز مانند مناطق محروم سنی نشین نظیر سیستان یا بخش‌هایی از استان کردستان سعی در بهبود اوضاع معیشتی مردم ضمن آشنایی آنها با حکومت مرکزی و رفع عقاید تنش آفرین می‌کند.

- در کل با مسدود کردن منابع مالی ترووریست‌ها تا حدود زیادی می‌توان فعالیت‌های آنها را تحدید یا آن را بتاخیر انداخت.

ما می‌دانیم که اگر مواردی مانند انقلاب جنگل، عملیات‌های حزب الله و... را ترووریسم بنامیم که مطابق تعاریف مطرح ترووریسم تا حدودی هم صحیح به نظر می‌رسند علاوه بر این که مرتکب جنایت‌علیه آزادی شده ایم و حقی از مظلوم ضایع کرده ایم سه را بیشتر نداریم یا باید اجازه دهیم که این واژه که امروزه بار معنایی منفی و شرم آور بخود گرفته هزینه بر آزادیخواهان و مستضعفان جهان تحمیل کند یا آنکه ترووریسم را به شکل خوب و بد از هم جدا کنیم که این امر برای خود ما هزینه آفرین خواهد بود و یا آنکه ترووریسم را بنحوی تعریف کنیم که آزادیخواهان و ظلم سیستان قربانی منافع ابر قدرت‌ها نشوند.^۱

منابع تامین ترووریسم

هرگز نباید انتظار داشت این سوال که چه کسانی ترووریست‌ها را تامین می‌کنند پاسخی آسان و واضح داشته باشد اما می‌توان در این باره حدث‌هایی زد و اطلاعات محدودی نیز در این باره وجود دارد.

^۱ دکتر محمد ارغون: سخنرانی ۲۰۰۵ لبنان

منابع مالی

بخش اعظمی از منابع تزویریسم از سوی دولت‌ها تامین می‌شود، بزرگترین دولت‌های تامین کننده‌ی تزویریسم ایالات متحده عربستان سعودی و پاکستان هستند. ضمن اینکه غربی‌های با ادعای اینکه سازمانهایی چون حزب ا...، حماس، ارتش المهدی و نظایر آن سازمان‌های تزویریستی هستند ایران را نیز در این دایره بر می‌شمرند.

از این‌ها گذشته می‌بینیم که در جریان جنگ سوریه کشورهای بسیاری از شرق و غرب به تامین تزویریسم شتابه اند، در میان مخالفین دولت سوریه که از سوی غرب و اعراب حمایت می‌شوند سازمان‌هایی هستند که مستقیماً با القاعده ارتباط دارند و این سوال بزرگی است که آیا جنگ علیه ترور پایان یافته یا از همان ابتدا جنگ تزویریسم علیه ملت‌ها بوده؟ ایالات متحده در قالب تزویریسم واقعی و با نام دموکراسی بیش از یک میلیون انسان بی دفاع را در عراق به کام مرگ کشانده، راه تجاوز به زنان و کودکان را برای سربازان و تزویریست‌ها گشوده و انواع غارت را در باره‌ی ملت عراق به اجرا گذاشت.^۱

نیروی انسانی

اغلب تزویریست‌ها برای جذب نیرو و ترغیب آنها به انجام سفاکانه ترین جنایات علیه مردم بی دفاع مجبورند اولاً با یک سلسله اطلاعات غلط و دروغ‌های بهم پیوسته به فرد شکلی از شستشوی مغزی را علیه او پیاده کنند و در ضمن این که از او سوء استفاده می‌کنند برای آنکه جلوی بازگشت او را بگیرند با تراشیدن اهداف پوچ؛ ارعاب نسبت به عواقب جدایی از مجموعه و ایجاد وابستگی‌های مصنوعی به سازمان شست شوی مغزی فرد را با شدت و حدت پی می‌کیرند.

^۱ مقالات تارنماهی تابناک

این که این افراد از کجا می‌آیند و اقعاً می‌توان گفت از همه جا؛ در میان تزویریست‌های سوری افرادی از عربستان، مناطق قفقاز؛ اتباع غربی، حتی از چین و بسیاری جاهای دیگر دیده می‌شود. اما در کل می‌توان گفت که شاید نتوان هیچ وجه مشترکی بین تزویریست‌ها یافت به جز آنکه گرد یک هدف به هم پیوند خورده‌اند. اما اغلب افراد سطوح پایین جامعه از لحاظ مالی و علمی هستند که با پرسیدن چراهای بسیار از شرایط نامطلوب خود آماده گرفتن پاسخ به شیوه‌های خشن شده‌اند و با دعوت از سوی نهادهای تزویریستی به آنها می‌پیوندند. جز این تزویریست‌ها هرگز تعهدی به اصول اخلاقی ندارند و چنانکه شاهد بوده ایم و هابی‌ها در کشورهای مختلف از کودکان و معلولان ذهنی نیز برای اقدامات تزویریستی استفاده کرده‌اند.^۱

منابع دانش و آموزش

در دوران جنگ سرد سیاست‌های بازدارنده‌ی دو قطب قدرت جهان بر مبنای تهدید بوسیله‌ی سلاح‌های هسته‌ای بعلاوه جنگ‌های نیابتی؛ عملیات‌های مخفی نظامی و اطلاعاتی و خرابکاری و نفوذ‌بنا یافته بود.^۲

متاسفانه بعد از جنگ سرد به دو علت هرج و مرج ناشی از ضعف حکومت کمونیستی و آزادی‌های معکوس اجتماعی در ایالات متحده بخش‌های زیادی از آموزش‌هایی که در جنگ سرد برای آموزش سربازان جنگ‌های نیابتی آماده شده بود به دست افراد نادرست افتاد انتشار و تکمیل این آموزش‌ها امروزه دامنه‌ای گسترده‌ای آموزه‌های هولناک را به رایگان و به سادگی در دسترس همگان قرار داده است؛ بعنوان مثال ناشرانی مثل انتشارات شوالیه^۳؛ انتشارات صحراء^۴ و بنسون^۵ دست به انتشار

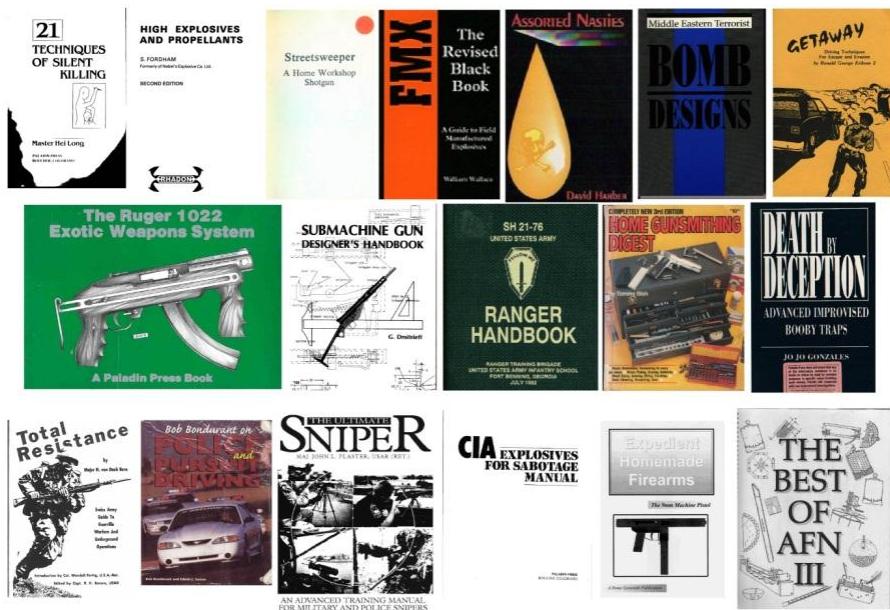
^۱ مقاله‌ی تزویریسم در خاور میانه؛ تارنماه تابناک

^۲ اسناد لانه‌ی جاسوسی - احزاب سیاسی ایران - مقدمه

^۳ PALADIN PRESS

^۴ DESERT PUBLICATIONS

کتبی زندن که به آموزش شیوه های آسان برای تهیه ای انواع سلاح؛ مهامات و مواد منفجره و نیز شیوه های رزم و موارد مشابه نمودند که امروزه نسخه های الکترونیک آن به سادگی قابل دانلود است. تعداد بسیار زیادی از افراد نامعلوم نیز این آموزه ها را بسط و گسترش دادند چنانکه امروزه اگر تروریست ها فقط به زبان انگلیسی تسلط داشته باشند و پول کافی بدست آورند؛ می توانند هر چیزی را که نیاز دارند حتی بمب اتم بصورت خودکفا و در کارگاههای زیر زمینی تهیه کنند.^۲



علاوه دولت آمریکا به گونه ای کاملاً بی پروا اقدام به ارائه آموزش های نظامی به اعضای سازمان های تروریستی می کند. یکی از نمونه هایی که تابحال فاش شده، آموزش تفنگداران دریایی ایالات متحده به اعضای گروهک تروریستی منافقین در صحرای نوادا و پس از آن در تگزاس است تا اعضای این گروهک برای اقدامات

¹ RAGNAR BENSON

² نغنه، احمد؛ تورویسم امروز

تروریستی احتمالی علیه برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی و اهداف آمریکا در عراق آماده شوند. آموزش به نیروهای گروهک پژاک که وظیفه نامن سازی مرزهای شرقی ایران از طریق راه اندازی غائله‌های قومی و اقدامات مسلحانه را بر عهده دارند نیز از نمونه‌های دیگر حمایت آمریکا از گروههای تزویریستی از طریق ارائه آموزش‌های نظامی است.

علاوه بر این، مدارس آموزش نظامی نیز از سال‌ها پیش در ایالات متحده وجود دارد و به صورت رسمی به پرورش تزویریسم کمک می‌کند که یکی از این مراکز به واسطه آمار بالای جرائم ضد انسانی دانش آموختگانش در میان خود رسانه‌های آمریکایی که خواهان تعطیلی این گونه مراکز هستند، به نام‌هایی همچون «مرکز آموزش و ترویج تزویریسم آمریکا»، «اردوگاه تزویر آموزی» و «حیاط خلوت تزویریسم آمریکا» معروف شده است!

تاکنون بدنام ترین شکنجه گران، قتل عام کنندگان، دیکتاتورها و تزویریست‌های دولتی در این مدرسه آموزش دیده‌اند. به عنوان مثال در سال ۱۹۹۳، کمیسیون حقیقت یاب سازمان ملل متعدد در پرونده کشور «السالوادور»، اسمی آن دسته از افسران ارتش که مرتکب بیشترین جنایت‌های جنگی در جنگ‌های داخلی شده بودند را منتشر کرد که مطابق آن معلوم شد دو سوم این افسران، فارغ التحصیلان این مرکز آموزشی هستند!

در سال ۱۹۹۶ دولت آمریکا تحت فشار قرار گرفت و مجبور شد هفت جزوی آموزشی این مرکز را منتشر کند. به استناد مقاله‌ای که در روزنامه نیویورک تایمز مورخ ۶ اکتبر ۱۹۹۶ انتشار یافت، در این جزوی‌های آموزشی علاوه بر ارائه انواع آموزش‌ها و راهنمایی‌ها در خصوص اقدامات تزویریستی، باج گیری، شکنجه، اعدام و قتل عام آموزش داده شده بود.

در حالی که دولت آمریکا قصد داشت به افکار عمومی این‌طور القا کند که وجود چنین مراکزی در کشوری که در حال مبارزه گسترده با تزویریسم است لازم و ضروری

است (یعنی اعتراف ایالات متحده به این واقعیت که با ترور به جنگ تروریسم رفته است!)، منتظران این مدرسه با ارائه آماری دقیق اثبات کردند؛ تعداد قربانیانی که این مدرسه در طول ۶۵ سال فعالیت اش ایجاد کرده است، چندین برابر تعداد کل قربانیان حملات تروریستی انجام شده علیه آمریکا و بمب گذاری های انجام شده در سفارت خانه های این کشور و همین طور واقعه ۱۱ سپتامبر بوده است. جالب آن جاست که این آمار فقط به فارغ التحصیلان این مدرسه محدود می شود، در حالی که حمایت آمریکا از پدیده تروریسم بسیار گسترده تر دارد.

تروریسم نوین

امروزه اما تروریسم در بمب بستن به خود یا به رگبار بستن دیگران خلاصه نمی شود، تروریسم به نسبت گسترش تکنولوژی شیوه های جدیدی را در راستای نیل به اهداف خود در پیش گرفته اند.

تروریسم هسته‌ای

تنها نکته ای که در باره‌ی ترس از بکارگیری سلاح های هسته ای توسط تروریست ها ما را امیدوار می کند این است که هزینه‌ی تهیه و آماده سازی مواد هسته ای لازم برای ساخت یک بمب هسته ای بسیار بیشتر از توان اغلب گروه های تروریستی است. اما همواره این بیم وجود دارد که تروریستها با بدست آوردن مواد لازم مثلا از طریق حمله به مراکز تهیه و نگهداری دولتی یا خصوصی این مواد اقدام به ساخت و استفاده از سلاح های هسته ای کنند.

این که امنیت مراکز تهیه و نگهداری مواد هسته ای در حدی هست که تروریستها نتوانند به این مواد دست یابند یا نه مشخص نیست اما در ۱۹۷۷ اعضای نیروهای ویژه

ی SBS که اخیراً تعدادی از آنها پس از تجاوز به آبهای ایران بازداشت شدند با هدف آزمودن امنیت یک مرکز هسته ای به نیروگاه هسته ای «داندی» در اسکاتلندر یورش برداشت و پیش از آن که پلیس بتواند طرحی برای مقابله با این حمله بربار کترول تمام نیروگاه را بدست گرفتند و در عصری که خطر حملات تروریستی یک تهدید بالقوه است این امر به هیچ عنوان خبر خوشی نیست.^۱

امروزه برخی کشورها نیروهای خاصی برای حفاظت از چنین مراکزی در نظر گرفته اند مثلاً در کشور روسیه نیروهای ویژه‌ی اسپتاژ ویمپل در هر شهری که دارای نیروگاه هسته ای باشد شاخه‌های عملیاتی دایر دارند.^۲

اما در هر صورت ابهامات زیادی در باره‌ی امکان دست یابی تروریست‌ها به چنین سلاح‌های وجود دارد.

بیو تروریسم

بر اساس تعریف پلیس بین الملل در سال ۲۰۰۷ بیوتوریسم عبارت است از منتشر کردن عوامل بیولوژیکی یا سمی با هدف کشتن یا آسیب رساندن به انسان‌ها، حیوانات و گیاهان با قصد و نیت قبلی و به منظور وحشت آفرینی، تهدید و وادار ساختن یک دولت یا گروهی از مردم به انجام عملی یا برآورده کردن خواسته‌ای سیاسی یا اجتماعی.

در بین جنگ افزارهای نوین، سلاح‌ها و فناوری میکروبی بیشتر از سایرین مورد توجه تشكل‌های تروریستی و تروریست دولتی ابرقدرت‌ها قرار گرفته است. شاید بتوان به جرأت گفت که سلاح‌های هسته ای دیگر یک خطر بالفعل نیستند و تنها یک قدرت بازدارنده بالقوه محسوب می‌شوند. کشورهای صاحب این سلاح‌های هرگز

^۱ رادمرد، محسن، دایره المعارف نیروهای ویژه

^۲ همان

نخواهند توانست به راحتی از آن‌ها بر علیه دشمنان خود استفاده نمایند. زیرا تبعات بکارگیری چنین سلاح‌هایی آن‌چنان گسترده است که قسمت بزرگی از جهان را در بر خواهد گرفت. اشعه‌های رادیوакتیو، گردوغبار اتمی، طوفان اتمی و اشعه‌های یونیزه‌ی آن در قالب مرزهای جغرافیایی نخواهند گنجید و حوزه وسیعی را آلوده خواهند کرد. طبعاً در این موقع کشور بکار برنده این سلاح‌ها باید پاسخ‌گوی کشورهای همسایه نیز باشد. مثلاً اگر هند علیه پاکستان از بمب اتم استفاده نماید، بسته به محل انفجار اتمی، باید پاسخ‌گوی بخش وسیعی از خاورمیانه نیز باشد. لذا شاید همین ملاحظه بود که باعث شد در جنگ جهانی دوم ژاپن برای امتحان بمبهای اتمی امریکا انتخاب شود. کشور دور دست در دریا که همسایه‌ای نزدیک هم ندارد. در حالی که به نظر می‌رسد اگر بنا بود جنگ را به نوعی خاتمه دهنده، می‌باشد این بمبهای بر سر برلین تخلیه می‌شد که مبداء جنگ بود.

از سوی دیگر سلاح‌های شیمیایی نیز چندان گزینه مناسبی برای فعالیت‌های تزویریستی نیستند. مشکلات حمل نگهداری و بکارگیری، نیمه عمر کوتاه، خطر نشست، تأثیر محدود و قابلیت ردیابی عامل ترور کننده باعث شده چندان مورد اقبال نباشد.

در مقابل در مورد سلاح‌های بیولوژیک توان تولید بالا [گفته می‌شود که در یک ارلن معمولی آزمایشگاهی می‌توان به اندازه‌ای میکروب سیاه زخم تولید کرد که برای از بین بردن ۲۰۰ میلیون نفر کافی باشد]، نگهداری راحت، قابلیت انتشار، قابلیت مصنون سازی نیروی خودی، قابلیت تکثیر برای عوامل میکروبی زنده، دشواری بسیار در ردیابی فرد یا افراد متخصص، گسترده‌گی عمل کرد از انسان تا دام و محصولات کشاورزی و بسیار محسنات دیگر، موجب شده تشکل‌های تزویریستی به این فن‌آوری جدید بشدت کشش یابند بدون آن که بتوان گناهی را متوجه آن‌ها نمود.

هر روز بسیاری از مناطق جهان در معرض خطر یک حمله بیوتزویریستی هستند. بدیهی است که نیروهای نظامی، تنها جمعیت در معرض خطر برای حملات بیولوژیک نیستند بلکه اشار مختلف در معرض خطر هستند.

طبق نظر کارشناسان سازمان بهداشت جهانی (W.H.O) در حال حاضر ۱۷ کشور جهان قابلیت تولید چنین موادی را دارند. تولید مواد بیولوژیک بالنسبه ارزان بوده ، به PMAB The Poor Man's Atom Bomb نامیده شده است. تولید، استفاده و انتشار یک سلاح بیولوژیکی بسیار ارزان‌تر از بمب اتم بوده و کمتر احساسات جهانیان را بر می‌انگیزد. و البته استفاده از این سلاح‌ها تا حدودی برای ترویریست‌ها بی خطر می‌باشد. معمولاً مشاهده پاتوژن‌ها و مقابله بر علیه آن‌ها مشکل است به عنوان مثال در صورت انتشار عامل اسهال در آب یک منطقه تا دوره کمون سپری شود و علاطم بیماری ظاهر شود چند روز طول می‌کشد که فرصت مناسبی برای ترویریست‌ها است تا به اهداف خود برسند. انتقال عوامل هم از کشوری به کشور دیگر به وسیله مسافرهای معمولی آسان به نظر می‌رسد به عنوان مثال قرار دادن پودر میکروب سیاه زخم در داخل کپسول به عنوان دارو و حمل آن به مناطق مورد نظر.

در صورتی که ترویریسم قصد گسترش وسیع بیماری را داشته باشد از عواملی نظیر آبله انسانی استفاده می‌کند که به راحتی از فردی به فرد دیگر منتقل می‌شود و باعث آلودگی وسیع می‌شود و در صورتی که قصد آن مورد هدف قرار دادن شخص خاصی باشد از عواملی نظیر انتراس (عامل سیاه زخم) استفاده می‌کند. کشف و شناسایی یک حمله بیولوژیکی سخت و دشوار به شمار می‌آید. تاثیرات یک حمله بیولوژیکی به چهار دسته تقسیم می‌شوند.

۱- فیزیکی: بروز بیماری ۲ - روانی: بروز ترس و وحشت، ۳- اقتصادی: محدودیت سفر و جابه‌جایی، متوقف شدن فعالیت‌های اقتصادی و کسب و کار ۴- زیست محیطی: آسیب دیدن انسان‌ها، حیوانات، گیاهان، آلوده شدن منابع طبیعی مثل منابع آب معمولاً گروه‌ها و جنبش‌ها سیاسی و فرقه‌های مذهبی یا اشخاصی هستند که توانایی تولید و بکارگیری سلاح‌های بیولوژیک را دارند. به طور مثال جنبش استقلال طلب قبیله مائومائو در کنیا که از سم برای کشتن ماموران حکومت استعماری بریتانیا استفاده

کردند. فرقه مذهبی راجنیشی در سال ۱۹۸۴ با آلوده کردن ظروف سالاد بازده رستوران در آمریکا با باکتری (تاویمیوریوم سالامونا) موجب مسمومیت ۷۵۰ نفر شدند. در سال ۱۹۹۳ فرقه مذهبی آوشینریکوی باسیل سیاه زخم را در ناحیه کامیر و در متروی توکیو منتشر کرد.

پس از پیش آمدن این برنامه طراحی شده، دولت نومحافظه کاران با بهانه قرار دادن این اتفاق سیلی از بودجه های دولتی را برای مقابله با تهدیدات بیولوژیک گروه های تروریستی همچون القاعده به مراکز تحقیقاتی مختلف ارائه داد تا به ظاهر راه کارهایی برای مقابله با این حملات فراهم کنند. برای برخورداری از این سیل پولی، بسیاری از سازمان هایی که بر روی بیماری های واگیردار و عفونی کار می کردند کار خود را به نوعی با بیوتورویسم ارتباط داده و دست به انجام تحقیقات و آزمایش های گسترده ای زدند که یقینا در آینده ای نه چندان دور نتایج آن همچون نتایج پژوهش های دهه های قبل بر همگان ظاهر خواهد شد.

در سیستم درجه بندی امنیت بیولوژیک آمریکا درجه ۴ به خطرناک ترین آزمایش ها و آزمایشگاه ها داده می شود. پیش از یازده سپتامبر تنها پنج آزمایشگاه وجود داشت که در بالاترین درجه امنیت بیولوژیک، یعنی درجه ۴، قرار داشتند و به طور فعال در زمینه مطالعه عوامل بیولوژیک مرگ زا کار می کردند. در حالی که در سال ۲۰۰۹ این تعداد به پانزده مورد رسید و روند افزایشی همچنان ادامه داشته و تعدادی نیز در حال ساخت هستند.

در مجموع هم اکنون بیش از ۴۰۰ مرکز تحقیقاتی در درجات امنیت بیولوژیک ۳ و ۴ در آمریکا فعال هستند که توانایی تولید عواملی همچون باکتری سیاه زخم و فراورده های آن را دارند و بیش از چهارده هزار نفر بر روی تولید چنین عوامل خطرناکی کار می کنند که اکثر آنها مربوط به بخش غیر دولتی بوده و برای کسب بودجه مجبورند پروژه های مد نظر سیاستمداران را هرچه که باشد پذیرند.

این عوامل از طریق جنگ افزارهای گوناگون منتشر می‌شوند. از جمله بسته‌های مراسلاتی، هواپیماهای سبک سمپاش یا بدون سرنشین مخزن‌دار، اشیا و وسایل مصرفی - بهداشتی و آرایشی، آفات نباتی، حشرات و جوندگان ناقل و تنقلات مانند شکلات‌ها.

تروعیسم سایبری

توسعه‌ی حجم و گستره‌ی فعالیت‌های انسانی همگام با پیشرفت داتش و فناوری باعث گسترش کمی، کیفی و کارکردی فعالیت در فضای مجازی شده است. همگام با این فرآیند نیمه تاریک تفکر بشری نیز از قافله عقب نماند و با تمام قوا وارد این دنیای تازه شد. تروعیسم نیز بخشی از این نیمه‌ی تاریک بود.

دیگر رابطه بین زمین، سرزمین و ترور تغییر کرده است. باید دانست که علت آن دانش است، یعنی تکنولوژی و علم. این تکنولوژی و علم است که تشخیص جنگ از تروعیسم را نیز مغشوش می‌کند. از این منظر، در مقایسه با امکانات ویرانگری مهیبی که امروز و برای آینده، در مخزن شبکه‌های کامپیوترا جهان ذخیره شده‌اند، واقعه یازده سپتامبر و مواردی از این دست، از نوع نمایش‌های باستانی خشونت محسوب می‌شوند که هدف‌شان تشویش اذهان عمومی است.

در همین لحظه و در هر لحظه‌ای می‌توان؛ بی‌سر و صدا و به طور نامریبی، آنهم سریع و بدون خونریزی، با حمله به شبکه‌های کامپیوترا که همه حیات (اجتماعی، اقتصادی، نظامی و غیره) یک کشور بزرگ یا حتی بزرگترین قدرت‌های جهان به آن وابسته است، ضربه‌ای به مراتب بدتر، سخت‌تر و وحشتناک‌تر از تمام آنچه که می‌شناسیم به موجودیت و منافع هر ملتی وارد کرد.

شاید، روزی خواهد گفت: یازده سپتامبر مربوط به دوران خوش آخرین جنگ بود؛ دوره‌ای که همه چیز عظیم، قابل رویت و سترگ بود! به چه ابعادی! به چه ارتفاعی!

ولی وضع بدتر از این حرف هاست. امروز، تکنولوژی های مینیاتوری، از هر نوع به مراتب قوی تر در همه جا رخنه کرده اند و از لحاظ ابعاد با میکروبها برابری می کنند. اما، دیگر ناخودآگاه ما حساس شده و از آن اطلاع دارد؛ و همین است که تولید ترس می کند.

امروز ایالات متحده آمریکا و اروپا، بویژه لندن و برلین، به پناهگاه و محل آموزش و کسب اطلاعات برای همه تروریستهای جهان تبدیل شده بی آنکه حتی در آن پای گذارند و بانک های این کشور ها محل گردش و نگهداری دارایی تروریست ها شده. مدت هاست که دیگر برای در بیان مکان و موقعیت جغرافیایی پایگاه عملیاتی و محل استقرار این تکنولوژهای جدید ارتباطاتی و تهاجم های مبتنی بر بستر آن، نسبت دادن جغرافیا و یا سرزمین معینی جایز نیست (برای تعمق و تدقیق آنچه در بالا در مورد تهدید تمام عیار از محلی ناشناس و غیر دولتی ذکر شد، این را هم سریع و گذرا بگوییم که تهاجمات از نوع تروریستی، دیگر نیازی به هوایپیما، بمب و داوطلب عملیات انتحاری نخواهد داشت؛ کافی است، ویروسی در برنامه های کامپیوتری که داری اهمیت استراتژیکی هستند وارد کرد؛ و یا به منظور فلنج کردن منابع اقتصادی، نظامی و سیاسی در یک کشور یا در یک قاره، اختشاشات خطرناکی به وجود آورد. این گونه عملیات می توانند در هر کجای دنیا و با هزینه و ابزاری محدود عملی شوند).

تجربه‌ی داعش ثابت کرد که امکاناتی که کشور های مختلف برای رفاه حال و کسب و کار شهروندان خود ایجاد و مستقر کرده اند در لحظه‌ای ممکن است علیه منافع همان دولت، ملت و یا همسایه های او و یا حتی مجموعه های بسیار دورتر به کار گرفته شود. گاهی مستقیماً و گاهی در پشتیبانی از آن. امروز می توان گفت هیچ شبکه‌ی اجتماعی نیست که تروریست ها از آن استفاده نکرده باشند. شما یک شبکه از شاهراه های بین المللی بدون مرز و محدودیت را در سرتاسر جهان پیاده کرده اید و کیست که بتواند منکر جذایت این امکان برای ضربه زدن به دیگران شود. دولت ها

امروزه روی این بستر در حال جنگ هستند و تروریست‌ها هم جذابیت و منافع این امکان را درک کرده‌اند.

به سادگی می‌توان گفت «چیزی که به شبکه متصل شد دیگر تنها متعلق به شما نیست و هر لحظه ممکن است علیه شما بکار گرفته شود».

حقیقتاً می‌توان گفت کسانی که ساده اندیشانه به این بستر نگاه می‌کنند همانند کسی هستند که بر ساحل ایستاده‌اند و در تماشای یک موج عظیم تسونامی فقط می‌گوید «چه زیاست».

رسانه و تروریسم

چنانکه در بخش‌های پیشین نیز مطرح شد تروریست‌ها علاقمندند که با استفاده از رسانه‌ها وحشت را بعموم انتقال دهند تا از این طریق به منافع سیاسی دست یابند. رسانه‌ها نیز بعضاً از روی سودجویی و بعضاً از جنبه همکاری با تروریسم به علت سیاست‌های پنهان دولتها مطبوعشان و گاه به دلایل دیگر با تامین نیاز رسانه‌ای تروریست‌ها به بازوی آنها تبدیل می‌شوند.

الکساندر ایزاویچ سولژنیتسین محقق آزاد اندیش روس در ۸ ژوئن ۱۹۷۸ در سخنرانی خود در دانشگاه هاروارد تحت عنوان «جهانی از هم گسیخته» می‌گوید «مطبوعات در غرب از آزادی وسیعی بر خوردارند ولی چه سودی از آزادی می‌برند؟^۱

در اینجا نیز غرض اصلی تخلف از قانون نیست اما هیچ تعهد اخلاقی برای عدم تحریف و انحراف مطرح نیست. روزنامه یا روزنامه نگار چه تعهدی نسبت به خوانندگان و تاریخ دارند؟ اگر آنها افکار عمومی را با اطلاعات نادرست یا نتیجه گیری‌های غلط منحرف کرده باشند و حتی اگر به اشتباه‌هایی در سطح ملی دامن زده باشند آیا موردی سراغ داریم که در آن روزنامه بصورت صریح اظهار ندادمت کرده

^۱ جهانی از هم گسیخته

باشدند؟ نه هرگز چراکه به تیراژ لطمه می خورد. یک ملت ممکن است از چنین اشتباہی بدترین ضربه ها را بخورد، ولی روزنامه نگاری نیست که اعتنا کندو به احتمال زیاد با اعتماد بنفس تازه ای، درست بر خلاف گفته های قبلی خود شروع به قلم فرسایی می کند. و چون اطلاعات موثق آئی نیاز است لازم می بیند از شایعات استفاده کند و یا آنها را بسازد و حدس و گمان هایش را به جای اطلاعات قطعی به روی کاغذ می آورد و حال آنکه هیچ یک از آنها تکذیب نمی شوند و در ذهن خوانندگان باقی می مانند.^۱

همه روزه چقدر قضاوت های سطحی، ستایزده، نسنجیده و گمراه کننده صورت میگیرد که خوانندگان را سردرگم و نهایتا بحال خود رها می کند.^۲ مطبوعات می توانند نقش بیان افکار عمومی را ایفا کنند یا آن را با بتذالم بکشانند. به سادگی از ترویریستها قهرمان می سازند و بیشتر مانه در زندگی خصوصی مردم سرک می کشنند.^۳

و به سادگی کار خود را با این جمله که «دانستن حق همه است» کار زشت خود را توجیه می کنند. ولی این شعار دروغ است و حق مهمتری که از همگان سلب می شود حق ندانستن است چرا که روان های زیبایشان با ارجایف مهملات و چرنديات پر می شود.^۴

از آنجا که دوره‌ی جهان تک قطبی به سر آمده و رسانه‌ها به سرعت در حال گسترش و عمومی شدن هستند هر قطب و شبه قطبی به راحتی می تواند نظر خود را در جریان اطلاعاتی که به خورد مردم می دهد کاملاً القا کند نمونه‌ی آن را در نبرد سوریه شاهد بودیم؛ اغلب اهل سنت منطقه باور کرده اند که ارتش سوریه جنایت می

^۱ جهانی از هم گسیخته

^۲ همان

^۳ همان

^۴ همان

کند و مخالفین (تزویریست های وابسته به القاعده) آزادیخواهانی هستند که تنها از خود دفاع می کنند. این به سادگی قابل فهم نیست که وقتی جامعه‌ی جهانی (مطلق ایالات متحده و کشورهای وابسته) می خواهد که تزویریست ها آزادی خواهان رنج کشیده معرفی شوند، کدام دادگاه پاسخگو خواهد بود.

در کتاب TERRORIST RECOGNITION HANDBOOK اثر مالکوم دابلیو. نانس می خوانیم که تزویریست ها نیازمند رسانه هستند و عموماً تزویریسم به وسیله‌ی توجه رسانه‌ها موفق می شود و گسترش می یابد. هدف عملیات های تزویریستی آن است که وحشت را منتقل کنند و یک خواسته را به اطلاع عموم برسانند؛ تخریب، تهدید و حمله و حجم و شکل آن عمل اهمیتی ندارد و حتی این که خواسته‌ی چه کسانی بوده یا اصلاً چه خواسته‌ای داشته‌اند، موقفيت عملیات تزویریستی در آگاهی یافتن عموم و وحشت آفرینی است.

آینده‌ی تزویریسم

بسیار خوشبینانه و به مراتب بیش از آن احتمانه است اگر زمانی را برای پایان تزویریسم در نظر بگیریم. شاید بتوان گفت زمانی تزویریسم وجود نخواهد داشت که سیاست، قدرت، منابع و منافع و حتی افکار و عقیده‌ها وجود نداشته باشند و به بیان ساده‌تر زمانی که دیگر اجتماعی انسانی روی زمین وجود نداشته باشد.

در نهایت اگر بخواهیم آینده‌ای برای تزویریسم ترسیم کنیم این ترسیم تنها می‌تواند به تغییرات ابزاری و بعض‌ا ساختار‌های تزویریسم بپردازد.

سخن گفتن از آنچه می‌تواند خطر تزویریسم را در آینده‌ی دور یا نزدیک کاهش یا افزایش دهد سخن گفتن از تحرکات فکری و اجتماعی انسان‌ها و هر نوع حرکت از سوی دولت‌هast. چنانکه امروز هر تنی در میان جوامع در هر سطحی می‌تواند تزویریسم را رقم بزند و شاید بزرگ‌ترین علت آن سهولت تأمین ابزار است که در کنار

رنگ باختن ارزش‌ها در تفکر نوین امروز هر انسان توانمندی را به وادی تاریک تفکر بشری دعوت می‌نماید.

آرزوی محالی است اگر امید داشته باشیم که تکامل ذهنیت بشر به جایی برسد که نیاز به خشونت در هیچ سطحی احساس نشود و گذر زمان ثابت کرده که بشر امروز به دنبال تکامل نیست و هر گامی که بر می‌دارد بر زمینی سست‌تر فرود می‌آورد. تنها چیزی که بشر امروز می‌تواند به آن امید داشته باشد این است که قدرت و ابزار در دست صالحان و عقلای بشر قرار گیرد عقلایی که تصورات و مفاهیم ذهنی شان فراتر از سود و زیان یک شخص و یک جامعه باشد.